

زگهواره تا گور

گزارشی از اعدام کودکان در ایران

نشر اول انگلیسی: ۲۰۰۸

ناشر: مرکز سیاست خارجی

نشانی اینترنت: www.fpc.org.uk

حق چاپ محفوظ و متعلق به مرکز سیاست خارجی است

طراحی روی جلد: دونا گرین

<http://www.greenhouseproductions.com/>

نقاشی روی جلد از دلارا دارابی نوجوانی است که اعدام شد

چاپ: اینتایپ لیبرا:

www.intypelibra.co.uk

مسئولیت نوشتار: دیدگاه‌های بیان شده در این گزارش

ضرورتاً نظر مرکز سیاست خارجی نیست

نوشته فارسی این کتابچه ترجمه مستقیم از زبان انگلیسی به فارسی است. در صورت هرگونه تردید و اختلاف در متن فارسی لطفاً به متن انگلیسی مراجعه شود.

سپاسگزاری و قدردانی

سازمان توقّف اعدام کودکان (Stop Child Execution SCE) و مرکز سیاست خارج مرهون زحمات افرادیست که در تهیه این گزارش از حمایت و مساعدت دریغ نکردند.

قبل از هر چیز به جاست که مراتب قدردانی را به خانم نازنین افشین جم، رئیس و یکی از بنیانگذاران سازمان توقّف اعدام کودکان (SCE)، و خانم طاهره دانش، دستیار ارشد تحقیق در مرکز سیاست خارجی، به خاطر فعالیت خستگی ناپذیر و تهیه نسخه اولیه این گزارش ابراز نمایم.

این دو سازمان مایلند از همکار ارشد سازمان توقّف اعدام کودکان (SCE)، و یکی از بنیانگذاران آن، آقای دیوید اعتباری، با سابقه سالها نویسندگی، تحقیق و تحلیلی که به تهیه این گزارش کمک نمود سپاسگزاری نمایند.

همچنین از عضو ارشد هیأت مدیره و مشاور حقوقی سازمان توقّف اعدام کودکان (SCE)، دی دابلو دوک و داوطلبان ارشد سازمان مزبور کریستین هوسر و دونا گرین به خاطر همکاری‌های ارزشمندشان در طول سالهای متمادی متشکریم.

با ادای احترام و سپاس فراوان از کریستین سالازار فولکمان، رئیس سابق یونیسیف در ایران، که دیباچه او کمک بارزش و وجود ایشان اهمیت این گزارش را افزون نموده است و نیز باید از زحمات آقایان پیام بهشتی و کلیفورد چنس برای همکاری‌شان با تحقیق و تحلیل حقوقی یاد کنیم.

این دو سازمان به ویژه مایلند خدمات محمّد مصطفایی و سایر حقوق دانان در ایران را ارج نهند و سپاس بگذارند که با از خود گذشتگی به دفاع از دهها فرد خردسال که منتظر اعدام هستند و خبرها و مقالات مهمی را فراهم آوردند، از جمله میبایست از خدمات نسرین ستوده، عبدالصمد خرّمشاهی، شادی صدر، شیرین عبادی و مرکز مدافعان حقوق بشر تشکر نمود.

سازمان توقّف اعدام کودکان (SCE) و مرکز سیاست خارجی مایلند از فعالانی که اسامی آنها در زیر ذکر شده، برای همکاری‌های ارزشمندشان تشکر نماید: عمادالدین باقی، آسیه امینی، میترا خلعتبری، مینا احدی، دروئری دایک، کلاریسا بنکومو، اویری هریس، آن هریس، روتنا بگم، سیما واتلینگ، کیت ویلینگهام، زهرا حقیقت‌جو و بسیاری از حامیان، همکاران و قربانیان در ایران، که به دلائل حفظ ایمنی ایشان ذکر نامشان میسر نگردید.

محتوای این گزارش

دیباچه به قلم کریستین سالازار فولکمان

خلاصه‌ای دربارهٔ اعدام‌ها

پیش‌گفتار

سابقه: ایران و حقوق اطفال و نوجوانان

دیدگاه‌های حقوقی

دیدگاه‌های دینی

مطالعات در مورد واقعیت‌های اعدام کودکان در ایران

نتیجه‌گیری

توصیه‌های مربوط به خطّ مشی

ضمائم

یادداشت‌ها

دیباچه

کریستین سالازار فولکمان

طبق بسیاری از منابع ملی و بین‌المللی، جمهوری اسلامی ایران یکی از معدود کشورهای جهان است که همچنان به اعدام کودکان ادامه می‌دهد. چنین اقدامی در تناقض فاحش با میثاق حقوق کودک است، که ایران در سال ۱۹۹۴ آن را امضاء کرده و بر آن صحه گذاشته است. تحت میثاق حقوق کودک، مجازات مرگ ممنوع است. در ماده ۳۷ ذکر شده است، "مجازات اعدام و یا حبس ابد را بدون امکان آزادی نمی‌توان در مورد کودکان زیر ۱۸ سال اعمال کرد." بنابراین، فشار بین‌المللی بر حکومت ایران برای لغو اعدام‌های نوجوانان در سالهای اخیر افزایش یافته است. کمیته حقوق کودک مکرراً تقاضا کرده که ایران اعدام نوجوانان را متوقف سازد: "کمیته به دولت عضو توصیه می‌کند برای تعلیق فوری اجرای کلیه مجازات‌های اعدام در مورد افرادی که قبل از هجده سالگی مرتکب جرم شده‌اند، اقدامات ضروری را معمول دارد." عفو بین‌الملل و بسیاری از سازمان‌های حقوق بشر و نیز فیلیپ آلستون Philip Alston، گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه اعدام‌های خارج از آئین دادرسی، عجولانه یا خودسرانه تقاضاهای مشابهی را مطرح کرده‌اند: "ممنوعیت اعدام کسانی که در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال سن داشته‌اند، در قانون بین‌المللی حقوق بشر، از اهمیت اساسی برخوردار است. جمهوری اسلامی ایران تنها کشوری در جهان است که از آن همچنان تعداد متناهی گزارش‌های معتبر از صدور چنین احکامی، و حتی در بعضی موارد، اجرای آن در مورد نوجوانان، دریافت می‌کنم." به علاوه، دو قطعنامه اخیر مجمع عمومی سازمان ملل درباره حقوق بشر در ایران، از این کشور خواسته که به این اقدام خاتمه دهد.

موقع بحث درباره اعدام نوجوانان در ایران توجه به این مطلب حائز اهمیت است که جمهوری اسلامی ایران در جریان تدوین حقوق جهانی کودکان، ناظر بی تفاوت و منفعل نبوده است. از بدو تدوین آن، ایران به طور فعال در فرایند تهیه پیش‌نویس میثاق حقوق کودک مشارکت داشته است. مثلاً، نمایندگان ایران در گروه کاری تهیه پیش‌نویس میثاق حقوق کودک، در سال ۱۹۸۴ بر لزوم حمایت از کودکان فاقد سرپرست و مراقبت اولیه و نیز کودکان معلول تأکید نمودند و همکاری و مساعدت بین‌المللی در این زمینه را مورد تشویق و ترغیب قرار دادند. نمایندگان ایران همچنین تقاضا کردند مساعدت بین‌المللی در خصوص مرگ و میر نوزادان و سوء تغذیه کودکان در میثاق مزبور گنجانده شود. در سال ۱۹۸۵، ایران بر همکاری بین‌المللی در زمینه امنیت اجتماعی برای کودکان تأکید نمود و در سال ۱۹۸۹ ایران مداخلات خود را بر حمایت از کودکان در منازعات مسلحانه، مثلاً در رابطه با بمباران شهرها یا استفاده از تسلیحات شیمیایی و بیولوژیک، متمرکز ساخت.

افزایش اتفاق نظر در ایران علیه مجازات اعدام برای نوجوانان

توجه به این مطلب حائز اهمیت است که مجازات اعدام در میان استدلال‌های حقوقی یا مذهبی برای محافظه‌کاری ایران نسبت به میثاق حقوق کودک، نقش مهمی ندارد. در واقع، تعداد حقوقدانان، محققین الهیات یا قانون‌گذارانی که مجازات مرگ را برای اشخاص کمتر از هجده سال توجیه می‌کنند چندان زیاد نیست. به علاوه، تعداد کثیری از فعالان ایرانی حقوق بشر مکرراً دولت را به علت این اقدام مورد انتقاد قرار داده‌اند؛ همچنین بسیاری از متخصصان علم حقوق و رهبران مذهبی علیه آن سخن گفته‌اند. حتی، رئیس قوه قضائیه ایران، آیت‌الله هاشمی شاهرودی، در چندین موقعیت علناً اعلام کرد که با مجازات اعدام برای نوجوانان مخالف است و نظام قضایی ایران تعلیقی در اعدام نوجوانان برقرار کرده و طبق برآورد خود وی در سالهای اخیر مانع از اعدام حدود صد اعدام شده است. اما، این تعلیق مبتنی بر بخش‌نامه‌ای اداری است نه قانون و به این ترتیب برای قضات الزام‌آور نیست و تأثیربخشنامه در ممانعت از اعدام‌ها بسیار محدود بوده است.

الغاء اعدام نوجوانان چرا اینقدر دشوار است؟

علیرغم افزایش اتفاق نظر در میان سیاستمداران و متخصصان ایرانی برای کنار گذاشتن همیشگی مجازات مرگ برای اشخاص زیر هجده سال، چرا الغاء چنین احکامی هنوز اینقدر دشوار است؟ دو چالش اصلی حقوقی برای الغاء مجازات اعدام نوجوانان وجود دارد: سن پایین مسئولیت جنایی و مجازات.

در ایران، شروع سن بزرگسالی و بنابراین آغاز مسئولیت کامل جنایی به آغاز بلوغ جنسی پیوند داده می‌شود. آغاز بلوغ جنسی در قانون مدنی پس از گذشت ۱۴ سال و هفت ماه (۱۵ سال قمری) از عمر پسران و هشت سال و نه ماه (نه سال قمری) از سن دختران ذکر شده است. در نتیجه، تعدادی از حقوق ویژه صیانتی که در میثاق حقوق کودک مذکور است به کودکان و نوجوانان اعطاء نمی‌گردد؛ اگر دختری که سن او از نه سالگی گذشته یا پسری بالای ۱۵ سال سن داشته باشد و مرتکب جرم مستوجب اعدام گردد، در مراحل قضایی بزرگسال محسوب خواهد شد.

وقتی شخصی با مسئولیت جنایی مسبب مرگ یا لطمه دائمی به شخص دیگری گردد، شریعت اسلامی مجازات او را قصاص تعیین می‌کند. در حال حاضر، قصاص تقریباً فقط در موارد قتل، به صورت اعدام به تقاضای خانواده قربانی، اجرا می‌گردد. رویه قضایی شریعت قصاص را حق شخصی خانواده قربانی تلقی می‌کند که قاضی یا هر مقام دیگری قادر به رد و ابطال آن نیست. این بدان معنی است که تنها در صورتی که خانواده قربانی از تقاضای قصاص عدول نماید، قربانی را می‌توان آزاد کرد، مگر آن که قاضی او را به حبس محکوم نماید.

بدین علت است که تلاش برای جلوگیری از اعدام نوجوانان تحت قانون فعلی مجازات اسلامی بر پرداخت غرامت مالی به خانواده قربانی، که "خونبها" نامیده می‌شود، متمرکز است. اگر پسر یا دختری مرتکب جرم مستوجب اعدام گردد و خانواده قربانی غرامت مالی را قبول نکند، طبق قانونجزاء، قاضی ملزم به محکوم کردن نوجوان به مرگ است. به این دلیل، اگر قرار باشد اعدام نوجوانان در ایران متوقف گردد، لازم است که قانون کشوری تغییر نماید.

تدابیر جهت تغییر وضعیت

در تغییر قانون کشوری، حمایت داخلی و بین‌المللی از اصلاح کیفر نوجوانان در ایران در درجه اول اهمیت قرار دارد. شرایط فعلی برای تغییر حقوقی مساعد است، زیرا خود اولیاء حکومت ایران قدم‌های مهمی در جهت هماهنگی موازین حقوقی ملی و بین‌المللی با قانون تشکیل دادگاه‌های نوجوانان برداشته‌اند. قوه قضائیه ایران این لایحه را در سال ۲۰۰۴ به مجلس تقدیم کرد. این لایحه مبنایی برای اصلاحات جاری کیفر نوجوانان در ایران است و بنابراین تصویب آن "به طور کلی" توسط مجلس نشانه سیاسی مثبتی به شمار می‌رود. از ۲۱۱ تن اعضای مجلس، ۱۴۲ نفر با این لایحه موافق بودند، ۳۶ نفر با آن مخالفت کردند و ۱۰ نفر نیز رأی ممتنع دادند. رأی اکثریت برای این لایحه نشان دهنده اعتقاد تام بود که نظام کیفری نوجوانان در ایران باید امروزی شود. لایحه جدید، که نقطه عطفی محسوب می‌شود، شامل اصول عدالت ترمیمی، تمهیدات برای تغییر جهت از نظام جنایی و محکومیت‌های جایگزین است. اگرچه این لایحه نه مجازات مرگ برای نوجوانان را الغاء می‌کند و نه رسماً سن مسئولیت جنایی را بالا می‌برد، اما قدم مهمی به سوی هماهنگ کردن نظام حقوقی ایران در این زمینه با موازین بین‌المللی است. این بدان علت است که لایحه به قضات این امکان را می‌دهد که بلوغ فکری مجرمین جوان را مورد ارزیابی مجدد قرار دهد و از صدور فوری احکام اعدام خودداری نماید.

اگرچه تصویب کلی مجلس قدم مثبتی محسوب می‌شد، اما آنچه که مایه نگرانی است مدت زمانی درازی است که برای تصویب قوانین در مجلس طول می‌کشد. به‌علاوه، بحث‌های نمایندگان مجلس درباره این قانون، مقاومت نیروهای فوق محافظه‌کار را نیز برملا کرد. بنابراین، حمایت قوی ملی و بین‌المللی برای ایجاد پویایی لازم و اولویت‌های سیاسی برای تصویب نهایی لایحه ضروری است.

آموزش به جای کیفر

لایحه جدید در مورد کیفر نوجوانان به تنهایی برای کاهش تعداد احکام مرگ علیه کودکان کافی نخواهد بود. با توجه به مجال گسترده برای تعبیر و تفسیر که قضات ایرانی در کاربرد قانون کشوری در اختیار دارند، تصویر اصلاحات حقوقی باید با تلاش‌های فشرده برای تغییر تعدادی از مفاهیم و اقدامات بنیادی در رویه قضایی ایران

همراه باشد. نظام کیفری نوجوانان در ایران تمرکز شدیدی بر مجازات دارد. طبق یکی از گزارش‌های سال 2005 یونیسف، "برخی از قضات و دادستانها، حتی بعد از توضیح متخصصین داخلی، نمی‌توانستند نظریه عدالت ترمیمی را درک کنند. آنها به طور مداوم به اهمیت مجازات به عنوان تنظیم‌کننده رفتار اجتماعی اشاره داشتند. اصطلاح "مسئولیت" تنها در متن "مسئولیت جزائی" درک می‌شد و هرگز از لحاظ قبول مسئولیت برای جرائم ارتكابی مفهوم نمی‌گردید. از این رو، پنداره جرم و مجازات به مراتب از پنداره‌های قبول مسئولیت و جبران خسارت مهم‌تر جلوه می‌کرد." در دوران نسبتاً اخیر است که بحث‌هایی در میان متخصصین و مقامات نظام قضایی درباره اهمیت اقدامات غیرکیفری برای جوانان شروع شده است. چنین رویکردهایی تدریجاً از حمایت‌هایی نیز برخوردار می‌شوند و در اینجا است که همکاری فنی بین‌المللی می‌تواند نقش ارزنده‌ای در ترویج این قبیل رویه‌های جدید در نظام قضایی ایفا نماید.

مشارکت دینی

به‌علاوه، جمیع مساعی برای اصلاح کیفر نوجوانان در ایران و الغاء مجازات مرگ برای کودکان باید با همکاری و ارتباط با رهبران مذهبی همراه باشد. مشارکت دینی برای تحقق هر یک از حقوق در ایران از اهمیتی راهبردی برخوردار است زیرا قدرت سیاسی و اجتماعی رهبران دینی فوق‌العاده زیاد است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نفوذ رهبران مذهبی در کلیه مؤسسات اصلی دولتی را نهادینه ساخته است. این قانون یکی از روحانیون را به عنوان رهبر عالی تعیین می‌کند که رئیس جمهور، قوه مقننه، قوای مسلح و قوه قضائیه به او گزارش می‌دهند. قانون اساسی همچنین نهادی به نام "شورای نگهبان" را به وجود می‌آورد که از شش تن از روحانیون و شش حقوقدان دیگر تشکیل می‌شود که کلیه قوانین مصوب مجلس را مورد بررسی قرار می‌دهد و اگر آن را مغایر با حکم شریعت اسلامی یا قانون اساسی بداند، مانع از تصویب نهایی آن می‌گردد. شورای نگهبان همچنین کلیه نامزدهای عضویت مجلس و انتخابات ریاست جمهوری را مورد بررسی قرار می‌دهد و در صورتی که بر این باور باشد که آنها غیراسلامی، غیر متعهد به رهبری یا به هر حال نامتناسب برای منصب مربوطه هستند، از آنها سلب صلاحیت می‌کند. رهبران دینی تأثیر اجتماعی چشمگیری نیز در ایران اعمال می‌کنند. نظرسنجی اخیر از افکار عمومی تأیید می‌کند که اکثریت ایرانیان (62%) تعریفی که از خود دارند اساساً از طریق باورهای مذهبی است. بنابراین، همکاری بین مدافعان حقوق کودکان و رهبران مذهبی در ایران در تغییر راهی که ایران در اتخاذ (یا رد) هنجارهای بین‌المللی و موازین جهانی مرتبط با کودکان در پیش خواهد گرفت، اجتناب‌ناپذیر است.

آیا چنین تغییری میسر است؟ به اعتقاد من چنین امکانی وجود دارد، بخصوص در ایران که فرقه شیعه بیش از سایر شاخه‌های اسلام تعبیر و تفسیر اعتقادات جزمی مذهبی را اجازه می‌دهد. تأکید بر این مطلب حائز اهمیت است که فرقه شیعه برای استدلال دینی، یا اجتهاد، که رهبران و متفکران دینی را قادر می‌سازد اصول و

تجویزهای قرآن را به مسائل معاصر اجتماعی ارتباط دهند، ارزشی بسیار زیاد قائل است. استدلال مذهبی، به آنها این امکان را نیز می‌دهد که با اوضاع جدید اجتماعی و نظام‌های متفاوت اعتقادی به طریقی انعطاف‌پذیر و به طور بالقوه با سعه صدر، تعامل داشته باشند. محقق برجسته شیعه، آیت‌الله بجنوردی، خردمندانه اظهار داشت، "...از لحاظ زمان و مکان، اسلام هیچ محدودیتی ندارد و تا انتهای عالم زنده و جاوید خواهد بود، باید هم‌گام با توسعه جوامع بشری حرکت کند و به مسائل جدید جواب بگوید. بنابراین، معتقدیم که زمان و مکان در تفکر مذهبی و اجتهاد نقشی ایفا می‌کنند، یعنی ما باید همیشه خط مشی و جهت‌گیری جدید مذهبی اتخاذ نماییم و دیدگاه ما باید به موازات توسعه اجتماعی تغییر کند." عبدالکریم سروش، فیلسوف ایرانی و از دانشمندان علم کلام، از این فراتر رفته خاطر نشان می‌سازد که "بی‌اعتنایی به معیارهای منطقی و ضرورت هماهنگ کردن درک دینی و یافته منطقی نقض مسئولیت دینی است..."

در واقع، اجتهاد امکان همکاری بین رهبران مذهبی ایران و مدافعان حقوق کودکان را میسر می‌سازد. موضع بردبارانه و توأم با سعه صدر، مانند آنچه که در بالا توصیف شد، در ایران نادر نیست. آنها بازتابی از احساسات و عواطفند، که در میان جمعیت ایرانی به مراتب بیش از آنچه که ناظران دور از میدان انتظار دارند، وجود دارد. برخلاف آنچه که بسیاری از غیرایرانیان ممکن است باور داشته باشند، نگرش جمعیت ایرانیان به گفتگو و بحث‌های انتقادی درباره رابطه بین اسلام و سایر ادیان و نظام‌های تجویزی در ایران ابداً منفی نیست. این مطلب با نظرسنجی اخیری که مؤسسه گالوپ در میان ۲۱ ملت انجام داده به ثبوت رسیده است؛ مؤسسه مزبور ایران را در زمره کشورهای قرار داده که اهل آن نسبت به گفتگو بین اسلام و غرب دارای نظر نسبتاً خوش‌بینانه‌ای هستند: اکثریت ایرانیان بر این باورند که تنش بین غرب و جهان اسلام به دلایل سیاسی است و نه عوامل نهفته فرهنگی و مذهبی. این دیدگاه از میزان بدبینی آنها می‌کاهد... در خاورمیانه، ایرانیان، بیش از همه احتمال دارد که بگویند تعامل بین غرب و جهان اسلام حائز اهمیت است."

اگر تحلیل فوق صحیح باشد، در این صورت پیشرفت در الغاء اعدام‌های نوجوانان مستلزم تلاش مداوم برای رسیدن به اتفاق نظر درباره حقوق جهانی کودکان، باورهای مذهبی و اصول اسلام است. به نظر من، هیچ اصلی مبنایی برای این فرضیه نیست که اسلام و حقوق کودکان دو مفهوم متناقضند. اصلاً چرا باید متناقض باشند؟ اسلام دیانت شفقت و اتحاد با فقرا و قشر آسیب‌پذیر است. دیانتی است که رفاه و آسایش کودکان را ترویج می‌دهد. دیانتی است که مسئولیت جامع بزرگسالان را تثبیت می‌کند که هر آنچه را که در توان دارند باید انجام دهند تا کودکان بتوانند سالم، تحصیل کرده، مسرور و کاملاً صیانت شده رشد نمایند. زمینه مشترک با ایران و فضاهای گفتگو وجود دارد حتی اگر، به علت جو سیاسی محیط بر کشور، تعامل به میزان فزاینده‌ای دشوار به نظر برسد. اما، مدافعان حقوق کودک بیش از سایر فعالان حقوق بشر برای حمایت از گفتگو و تفاهم دارای امکانات

هستند. بنابراین، مدافعان حقوق بشر در داخل و خارج از ایران باید بیش از پیش سعی نمایند، در ارتباط با حقوق کودکان، شریعت و مجازات مرگ علیه کودکان، با رهبران مذهبی مرتبط شوند. یقین دارم که مشارکت در این گفتگو پیش شرطی مهم در جهت وصول به هدف الغاء مجازات اعدام علیه کودکان تا سال ۲۰۱۵ است.

خلاصه‌ای دربارهٔ اعدام‌ها

جمهوری اسلامی ایران، به نسبت جمعیت، بیش از هر کشور دیگری در جهان، دست به اعدام می‌زند و از تعداد اعدام‌ها، بعد از چین، در مقام دوم قرار دارد. اگرچه روند جهانی به وضوح نشان دهندهٔ کاهش در تعداد کل اعدام‌ها است، اما در ارتباط با اعدام افرادی که در سن نوجوانی به دلایل جرایم ارتكابی محکوم شده‌اند، عکس قضیه صادق است. برعکس تعداد کل اعدام‌ها در سراسر جهان، تعداد موارد اعدام کودکان در حال افزایش است.

اکثر موارد اعدام کودکان در جمهوری اسلامی رخ می‌دهد، که در طی یک دهه بالاترین سطح اعدام‌هایی از این قبیل را در جهان دارا بوده است. به تنهایی، در پنج سال گذشته، 33 مورد اعدام کودکان در ایران اجرا شده و از ژوئن ۲۰۰۹، حداقل ۱۶۰ نوجوان، به علت دامنهٔ وسیعی از "جرائم" از قبیل هم‌جنس‌بازی، روابط جنسی بدون ازدواج، ارتداد، و شرکت در منازعات منجر به قتل در مدرسه یا خیابان، به اعدام محکوم شده و منتظر اجرای حکم هستند. این یادداشت، با استفاده از داده‌های آماری و مطالعات موردی که بی‌عدالتی‌های موجود تحت نظام فعلی جزایی ایران را به طور برجسته نشان می‌دهد، نظری اجمالی به وضعیت اعدام‌های نوجوانان می‌اندازد. این نشریه موارد نقض معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی را که ایران یکی از امضاء کنندگان آنها است نیز به طور مستند نشان می‌دهد و معضلات دفاعیات و دیدگاه‌های دینی در نظام کیفری نوجوانان را مد نظر قرار می‌دهد. این مطلب با توصیه‌های عملی برای سیاست‌گذاران و فعالان مرتبط با آن خاتمه می‌یابد؛ این توصیه‌ها به آنها این امکان را می‌دهد که برای پرداختن به این بحران، قدم‌های هدفمندی بردارند.

از آنجا که 47 درصد از جمعیت ایران زیر هجده سال هستند، این موضوع زمینهٔ موجه و مهمی برای نگرانی کلیه کسانی است که به ایران و ایرانیان اهمیت می‌دهند.

اگرچه گزارش‌ها حاکی از آن است که در میان شهروندان، مدافعان حقوق بشر، و بعضی از متخصصان علم حقوق و علم کلام، نهضتی موافق الغاء مجازات اعدام برای نوجوانان در حال ظهور است؛ در حالی که ایران از دولت‌های عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق کودکان است که اعدام مجرمان زیر هجده سال را منع می‌کنند؛ در حالی که تعداد فزاینده‌ای از رهبران و محققان مسلمان خواهان گذاشتن نقطهٔ

ختامي بر اعدام‌های کودکان شده‌اند؛ در حالی که ریاست قوه قضائیه ایران بخشنامه‌ها فرستاده و از قضات خواسته که از صدور حکم اعدام برای نوجوانان خودداری نمایند؛ در حالی که مجلس پیش‌نویس لایحه پایان بخشیدن به اعدام کودکان را تصویب نموده؛ در حالی که جامعه مدنی از جمله حقوق‌دانان مطرح، فعالان سیاسی، جامعه‌شناسان، و پزشکان از طریق طومارها، نامه‌های مشترک، اجتماعات و کنفرانسها طالب پایان بخشیدن به چنین خشونت و قساوتی شده‌اند؛ در حالی که افزایش ناگهانی در گزارش‌های خبری وجود داشته که موضوع را مطرح کرده و از مبادرت به چنین اقدامی بر حذر داشته‌اند؛ و در حالی که جامعه بین‌المللی و از آن جمله سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و صدها نماینده مجلس در سراسر جهان نامه‌هایی در محکومیت این اقدام خطاب به اولیاء حکومت ایران نوشته‌اند، اما این تلاشها در جمهوری اسلامی ایران گوش شنوایی نیافته و مورد بی‌اعتنایی واقع شده است.

معضل اساسی ما پشتیبانی از اجرا و تنفیذ قانون فعلی علیرغم مقاومت اقلیتی از روحانیون فوق محافظه‌کاری است که از قدرت اجرایی شگرفی برخوردارند. در این گزارش به سؤالاتی درباره آنچه که تا به حال انجام شده، و این که چه ساز و کاری لازم است تا این تغییر تسهیل شود و جامعه بین‌المللی چگونه می‌تواند به پایان بخشیدن اعدام نوجوانان کمک کند نیز توجه و درباره آن بحث شده است.

مقدمه

"مامان، می‌خوان اعدامم کنن. چوبه دار رو می‌بینم. مامان، نجاتم بده."

اینها آخرین کلماتی بود که دلارا دارابی خطاب به مادرش بر زبان راند. دلارا ساعت 7 صبح اول مه 2009 اردیبهشت [1388]، بعد از گذشت فقط دوازده روز از مدت زمان دوماه‌ای که رئیس قوه قضائیه ایران برای اجرای حکم اعدام تعیین کرده بود، به دار آویخته شد. در حالی که او همچنان در تماس تلفنی، در کمال استیصال، التماس می‌کرد و می‌گفت، "می‌خوام ببینمت، تو رو خدا منو نجات بده،" یکی از مقامات زندان گوشی تلفن را از دلارا گرفت و به پدرش گفت، "دخترتان را اعدام می‌کنیم و شما هیچ کاری نمی‌توانید بکنید."

به راستی، دلارا کشته شد، اما این که کسی نمی‌توانست کاری برای جلوگیری از آن انجام دهد به این دلیل بود که اولیاء حکومت در رشت اعدام او را در خفا انجام دادند؛ اقدامی که در تناقض آشکار با قوانین ایران است. برآشفستگی و خشمی که بعد از مرگ او همه جا را در بر گرفت جامعه بین‌المللی را ملزم ساخت بیش از پیش از ایران بخواهد مسئول سوءرفتار خود با مجرمان جوان باشد. مرگ دلارا جدیدترین موردی است که به فهرست بلند و بالایی سوابق اعدام کودکان در زندان‌های ایران افزوده شد.

نمایندگان قضایی ایران، به عنوان نمایندگان دولتی که در مورد اعدام مجرمان نوجوان در صدر جدول قرار گرفته، غالباً اعدام نوجوانان را منکر می‌شوند، تعهدات بین‌المللی خود را ندیده می‌گیرند و قوانین و راه و رسم داخلی را نیز نقض می‌کنند. اخیراً در ۲۸ اکتبر ۲۰۰۸، در بیانیه‌ای که خطاب به سازمان ملل متحد صادر شد، اولیاء حکومت ایران اعدام نوجوانان را رد کردند. یک روز بعد، مقامات ایرانی غلامرضا سعیدی را اعدام کردند؛ او هفتمین مجرم نوجوانی بود که در سال ۲۰۰۸ اعدام شد.

این واقعیت به قوت خود باقی می‌ماند که ایران مجرمان نوجوان را اعدام می‌کند. اما، با توجه به عدم شفافیت و مسئولیت، برآورد تعداد واقعی نوجوانانی که از انقلاب سال ۱۹۷۹ تا کنون با مجازات اعدام روبرو شده‌اند غیرممکن است. گزارش‌های فعلی به این مطلب اشاره دارد که اعدام سرنوشتی است که حداقل ۱۶۰ زندانی نوجوان دیگر در انتظار آن به سر می‌برند.

این نکته محقق است که ایران از جمله امضاء کنندگان اسناد بین‌المللی است که کاربرد مجازات اعدام در مورد مجرمان نوجوان را ممنوع می‌کند. اگرچه تناقضات آشکار بین مواد این اسناد و تفسیر جمهوری اسلامی از قانون شریعت همچنان موضوعی مورد اختلاف میان محققان و مقامات گوناگون ایرانی است، اما، تعداد فزاینده‌ای از خبرگان دینی و مدافعان حقوق بشر در حال پیوستن به قوایی هستند که با این شکل بی‌عدالتی مبارزه می‌کنند و طالب اصلاحاتی قضایی هستند که به قضاوت صحیح و بازپروری مجرمان جوان منجر می‌شود. از آنجا که ۴۷٪ جمعیت ایران افراد کمتر از هجده ساله هستند، این زمینه نگرانی برای کلیه کسانی که به ایران و ایرانیان اهمیت می‌دهند، موجه و حائز اهمیت است.

هدف از این گزارش آن که معضلات و گزینه‌های گذشته و حال در پرونده حقوق بشری ایران در خصوص مجرمان جوان به اختصار برجسته نشان داده شود. این گزارش دیدگاه‌های حقوقی و مذهبی در مورد موضوعات کلیدی را مد نظر قرار می‌دهد و نیز مواردی از مطالعات درباره افراد منتخبی را که بدرفتاری با آنها سؤالاتی جدی را در مورد بی‌عدالتی‌هایی مطرح می‌کند که جوانان در نظام قضایی ایران با آن مواجهند. این گزارش، ضمن نگاهی دقیق‌تر به جمهوری اسلامی و سابقه حقوق بشری آن از طریق "مطالعه ادواری جهانی ۲۰۰۸"، توصیه‌های عملی خطاب به جامعه بین‌المللی ارائه می‌نماید.

این گزارش به هیچ وجه کامل نیست. با توجه به این مطلب که سازمان‌های حقوق بشر در حفظ حضور خود در ایران دارای مشکل اساسی هستند، و موانع گوناگونی که سد راه بیان و حفظ منافع ایرانیان نوجوان وجود دارد، در حال حاضر عرضه گزارش کامل و جامعی از تلاش‌ها و مبارزات آنها تقریباً محال است.

امید مؤلفین در نوشتن این گزارش ارائه نقطه آغازین برای نوع جدیدی از گفتگو درباره اعدام نوجوانان است. این گزارشی است که تدابیر واقع‌گرایانه برای از میان برداشتن موانع اجرای عدالت درباره نوجوانان را مورد

تأکید قرار می‌دهد؛ نکاتی را که مورد توجه و علاقه مشترک مدافعان گوناگون حقوق کودکان و هواداران تعلیم و تربیت آنها جهت حفظ شبکه به هم پیوسته همکاری به قصد بهبود کیفیت زندگی برای این بخش از جمعیت ایران است، مشخص می‌نماید؛ و بالاخره، الگوهای مؤثر انسجام و همکاری بین افراد، گروه‌ها و مؤسسات داخل یا خارج از ایران را، که به نجات و بازپروری مجرمان جوان مشغولند بیان می‌کند.

سابقه: ایران و حقوق اطفال و نوجوانان

پس از تأسیس اولین پارلمان مبتنی بر قانون اساسی در خاورمیانه و در طی اولین دهه‌های سده بیستم، نظام کیفر جنائی ایران دستخوش تغییراتی چند شد. دو پادشاه پهلوی شروع به تأسیس سلسله سلطنتی با قوانین و دادگاه‌های خاص خود نمودند که الگوی آن عمدتاً نظام قضایی فرانسه بود. در سال ۱۹۵۹، به عنوان بخشی از این فرایند، دادگاه‌های نوجوانان تأسیس شد. با پدیداری نظام سازمان ملل متحد، وقتی در سال ۱۹۶۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به وجود آمد، و سپس در ۲۳ مارس ۱۹۷۶ که تنفیذ گردیده به مرحله اجرا رسید، ایران به امضاء کنندگان آن پیوست. تنفیذ این میثاق مدت کوتاهی قبل از شروع ناآرامی‌هایی بود که در اوج خود به انقلاب سال ۱۹۷۹ منجر گردید.

بعد از تأسیس جمهوری اسلامی ایران، طولی نکشید که قانون اساسی سال ۱۹۰۶ و قوانین پیشین ایران ملغی گردید. این به تعطیلی دادگاه نوجوانان منتج گردید و نظام حقوقی طبق تفسیر رهبر عالی کشور از شریعت اسلامی تعریف بنیادی جدیدی یافت. به علاوه، تعداد اعدام‌ها در ایران به میزان چشمگیری افزایش یافت. مجموعه گوناگون قربانیان شامل کسانی می‌شد که به علت جرمی محکوم می‌شدند که قبل از هجده سالگی مرتکب شده بودند. هیچ عدد دقیقی وجود ندارد که بدانیم چند نوجوان از سال ۱۹۷۹ تا کنون در زندان‌های ایران طعم مرگ را چشیده‌اند. اما، از آنجا که بسیاری از مخالفان رژیم که زندان‌های ایران را همچنان پر می‌کردند جوان بودند، و نیز اعدام قریب چهل هزار نفر در پنج سال اول انقلاب، به این احتمال قوی اشاره دارد که ایران تعداد بسیار زیادی از نوجوانانی را اعدام کرده است که بعضی از آنها فقط یازده یا دوازده ساله بودند.

با توجه به عدم امکان دسترسی آزاد به سوابق اعدام در ایران، اکثر این موارد هنوز توسط نهادها و سازمان‌های بین‌المللی ذی‌ربط مورد تحقیق قرار نگرفته است. اما، اولین موردی که توجه جهانی را به این قضیه جلب کرد موضوع مونا محمودنژاد ۱۷ ساله بود، که آویخته شدنش از طناب دار در ۱۸ ژوئن ۱۹۸۳ در شهر شیراز به فرمان و تصویب بالاترین مقامات قضایی کشور بود. مونا به علت تمسک به امر بهائی اعدام شد و قضیه او به برجسته شدن مصیبت ایرانیان جوانی که همچنان با اعدام مواجهند، غالباً بدون دسترسی صحیح و مناسب به وکیل دعاوی محاکمه می‌شوند و در هنگام بازداشت از سایر حقوق خود محرومند، کمک کرد. تا به امروز، شرح‌ها

و گزارش‌های شاهدان عینی همچنان به برداشتن پرده از رفتار غیر انسانی با نوجوانان در زندان‌های بدنام ایران، مانند زندان رجایی‌شهر، ادامه دارد.

در قتل عام زندان در سال ۱۹۸۸، مقامات ایرانی هزاران زندانی را پنهانی به قتل رساندند و آنها را در گورهای دسته جمعی به خاک سپردند. اکثریت قربانیان جوان بودند، و شامل افرادی شدند که هنوز هجده سال نداشتند. وقتی خانواده‌های قربانیان و جامعه بین‌المللی در صدد برآمدند افراد مسئول این کار را به کیفر برسانند، اولیاء حکومت ایران منکر اقدامات خود شده از هرگونه توجیهی برای این فجایع خودداری کردند. علیرغم تداوم اعدام زندانیان جوان، روز ۵ سپتامبر ۱۹۹۱، ایران تصمیم گرفت به میثاق حقوق کودکان ملحق شود و در زمره دول عضو در آید. اما، موقع تأیید و صحه گذاشتن بر آن در تاریخ ۱۳ ژوئیه ۱۹۹۴، ایران این حق را برای خود محفوظ نگه داشت که هر ماده یا شرطی را که عملاً در تناقض با احکام اسلامی و قوانین داخلی باشد ندیده بگیرد و در ادامه توضیح افزود که هر جا قوانین داخلی قویاً با مواد میثاق مزبور متفاوت باشد، می‌توان آنها را مورد تجدید نظر قرار داد مشروط بر آن که با اصول شریعت در تناقض نباشد. این قبیل محافظه‌کاری‌ها نفس هدف و روح میثاق حقوق کودک را تضعیف می‌کند. مثلاً، ماده ۳۷ می‌گوید که، "حکومت‌ها تضمین می‌کنند که ... اجرای مجازات اعدام و حبس ابد بدون امکان آزادی برای کودکان تا قبل از پایان هجده سالگی ممنوع باشد،" و ماده ۴۰ به مسئولیت دولتها در تضمین بهترین منافع کودکان با تقویت حس "منزلت و ارزشمندی" در جهت تسهیل اعاده به جامعه و ایفای نقشی سازنده در آن اشاره دارد.

محافظه‌کاری مبهم ایران به فاصله فزاینده بین تعهدات بین‌المللی این کشور و سابقه حقوق بشر آن منجر شده است. ایران هنوز باید قانونی را در طلب اجرای کامل این میثاق وضع نماید. گزارش‌ها حاکی از آن است که ایران همچنان بیش از هر کشور دیگری به اعدام کودکانی می‌پردازد که هنگام ارتکاب جرم هنوز به هجده سالگی نرسیده بودند. در واقع، از سال ۱۹۹۰ تا کنون، ۴۴ صغیر در ایران با اعدام مواجه شده‌اند. در زمره آنها یازده نفر قبل از آن که به هجدهمین زادروز خود برسند اعدام شدند. اگرچه این احکام غالباً به تصویب عالی‌ترین مراجع قضایی می‌رسد، اما غالباً نتیجه محاکمه و قضاوت نادرست، محدودیت یا عدم دسترسی به وکیل حقوقی در سراسر کل فرایند بازجویی و تحقیق، و احکام متناقض توسط شعب مختلف قوه قضائیه‌اند. ایران عضو مقررات پکن نیز هست. اگرچه این تعهدی الزام‌آور نیست، اما مقررات مزبور الگویی را برای رفتار با مجرمان جوان عرضه می‌کند. آنها چارجوب نظام منصفانه ملی کیفری نوجوانان را ترسیم می‌کنند. متمم مقررات میثاق حقوق کودک، که در سال ۱۹۸۵ ایران آن را پذیرفت، با تأکید بر اهمیت اداره جریان کیفر نوجوانان به روشی که "هر رفتاری باید سن کودک و مطلوبیت تقویت" اعاده به اجتماع "و نیز قبول ایفای نقشی سازنده در جامعه از سوی آنان را باید مد نظر قرار دهد. بند ۲-۳ مقررات پکن بر نقش دول عضو در چنین فرایندی بیشتر تأکید می‌کند: "باید تلاش کرد تا،

در هر حوزه قضائی کشوری، مجموعه‌ای از قوانین، مقررات و شرایطی برقرار ساخت که به طور اخص برای مجرمان جوان قابل اجرا باشد و مؤسسات و هیأت‌هایی دایرگردد که وظائف اجرای کیفر نوجوانان به آنها سپرده شود. "توجه به این مطلب دلگرم‌کننده است که از جمله ابتکارات سالهای اخیر آن که، ایران و یونیسف مقررات پکن را در مساعی مشترک خود قرار داده‌اند.

گزارشها حاکی از آن است که مجرمان جوان، بخصوص زنان، نه تنها از حقوق انسانی خود محرومند، بلکه غالباً در دست مقامات زندان مورد بدرفتاری و تجاوز نیز قرار می‌گیرند. از روزهای اولیه جمهوری اسلامی، بعضی از نوجوانان مورد شکنجه جسمی و جنسی قرار گرفته‌اند. گزارشها نشان می‌دهد که بعضی از آنها با چنین رفتاری مواجه شده‌اند تا از سایر زندانیان، از جمله اعضاء خانواده، اعتراف گرفته شود. ایران همچنین به استفاده از روش‌های فوق‌العاده غیرانسانی اعدام، که غالباً در ملاء عام اجرا می‌شود، نیز دست می‌زند. یکی از آنها روش اعدام معلّق است که قربانی در حالی که توسط دو مأمور اعدام یا نگهبان نگه داشته شده به وسیله جرثقیل کابلی بالا کشیده می‌شود؛ روش دیگر اعدام با فروافکندن از مسافت کوتاه است. در این حالت قربانی را وادار می‌کنند روی جعبه معمولی بایستد و سپس با لگد جعبه را از زیر پای او دور می‌کنند. علاوه بر تأثیر هولناکش بر شاهدانی که تقلائی فرد نوجوان در حال مرگ برای نفس کشیدن را می‌بینند، این عمل سبب می‌شود که قربانی قبل از آن که خفگی به طور کامل دست بدهد، مدت پانزده دقیقه از مرگی آهسته و دردناک رنج ببرد.

تعداد هر چه بیشتری از ایرانیان فریاد اعتراض خود را علیه این نوع از نقض حقوق انسانی بلند می‌کنند. از اواسط دهه 1990 تا کنون فعالان ایرانی حقوق بشر هماهنگ کردن مساعی خود را شروع کرده‌اند تا نقطه ختامی بر اعدام‌ها بگذارند. علاوه بر تلاش‌هایی که هدف آنها مستند ساختن این موارد است، کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی و گزارش‌ها مصیبت مجرمان نوجوان ایران را به طور برجسته نشان می‌دهند. شخصیت‌هایی چون نسرین ستوده، شادی صدر، عبدالصمد خرمشاهی، عمادالدین باقی و برنده جایزه نوبل، شیرین عبادی، در زمره اولین کسانی هستند که وکالت این قربانیان را پذیرفتند، سازمان‌هایی گوناگون در سطح عامه مردم تشکیل دادند، و طالب اصلاحات حقوقی و انتشار اطلاعات عمومی و آموزش درباره حقوق مجرمان جوان هستند.

اوائل سال ۲۰۰۶، نازنین افشین جم، از ناموران کانادایی ایرانی‌تبار و مینا احدی، رئیس کمیته بین‌المللی ضد اعدام، فعالیت چشمگیر بین‌المللی برای نجات جان نازنین مهاباد فاتحی هفده ساله را رهبری کردند؛ نازنین به علت وارد آوردن ضربه مرگبار چاقو به یکی از سه مردی که قصد تجاوز جنسی به او و برادرزاده 15 ساله‌اش داشتند، به مرگ محکوم شده بود. این تلاش به نجات جان نازنین منجر شد و محاکمه‌ای جنجالی گشت که برای بسیاری از قضایای آتی امید آفرید. بعد از حصول توفیق در این قضیه، "فعالیت توقّف اعدام کودکان (Stop Child Executions Campaign)" به اجرا درآمد تا به نجات جان سایر نوجوانان ایرانی منتظر

اعدام کمک شود. با کمک سازمانهای خطّ فکری مشابه، مانند عفو بین الملل، دیده بان حقوق بشر و "هندز آف کین (Hands Off Cain)"، مقامات بیشتری خبر این بی عدالتی را شنیده اند. آنها به عنوان مجاری برای توده های فزاینده در میان جامعه مدنی مخالف این اقدام نیز عمل می کنند.

در ماه های اخیر تعداد کثیری از ایرانیان از کلیه اقشار و طبقات جامعه اعتراض شدید خود نسبت به این مجازات ها را اعلام کرده اند. علاوه بر دهها عریضه و تظاهرات در دو سال گذشته، بیش از ۱۵۰۰ تن از فعالین ایرانی برای نشان دادن حمایت خود از فعالیت "اعدام بس کودکان"، که در نوامبر ۲۰۰۸ توسط مرکز مدافعان حقوق بشر شروع شد، بیانیه ای را امضاء کردند. به علاوه، شخصیت های مذهبی، مانند آیت الله صانعی، که اجرای مجازات مرگ برای مجرمان جوان را زیر سؤال می برد، یا نامزد انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹، مهدی کروبی، که طالب پایان بخشیدن به اعدام افراد صغیر متهم به جرائم بزرگ است، ایران را به سوی خاتمه دادن به این اقدام سوق می دهد. امیرحسین رحیمی، مخبر کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس ایران، به لایحه ای اشاره کرد که در سال ۲۰۰۴ با ۱۴۲ رأی موافق از ۲۱۱ عضو مجلس به تصویب رسید و ممکن است برای مبنی که ظرفیت جسمی یا روانی افراد نوجوان ممکن است مورد تردید باشد، شاید مانع از اعدام اینگونه افراد شود. این لایحه از آن زمان تا کنون تحت بررسی مجلس خبرگان است. در نتیجه، دولت ایران تغییرات و اصلاحاتی انجام داده که گویای تمایلش برای رفع نقائصی است که بر سابقه اش در زمینه حقوق بشر در رابطه با قضایای نوجوانان لطمه می زند. مثلاً، از سال ۲۰۰۱ تا کنون، قوه قضائیه و مجلس پیش نویس قانونی را با عنوان قانون رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در دست بررسی دارند که طالب حمایت بهتر از حقوق مجرمان نوجوان است.

حال که ایرانی ها طالب پایان بخشیدن به این فصل از تاریخ خود هستند، مقامات مهم بین المللی همچنان به تقاضای مشابه ادامه می دهند. مجمع عمومی سازمان ملل متحد دو مرتبه طالب پایان بخشیدن به اعدام نوجوانان در ایران شده است. نمایندگان مجلس در اطراف و اکناف جهان، اتحادیه اروپا، کمیساریای عالی سابق حقوق بشر سازمان ملل متحد، و گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در اعدام های خارج از آئین دادرسی، شتابزده و خودسرانه همچنان بر لزوم توقف اعدام نوجوانان تأکید می نمایند.

اما، اخیراً در تاریخ اول مه ۲۰۰۹، علیرغم مقتضیات قانونی تشریح شده در تعهدات بین المللی ایران، قوانین مرسوم و حکم توقف دوماهه در اعدام که توسط رئیس قوه قضائیه صادر شد، مقامات زندان رشت دلارای دارایی را اعدام کردند. او سومین مجرم نوجوانی بود که در سال ۲۰۰۹ با مرگ روبرو شد. از زمان اعدام او پنج نوجوان دیگر به همان سرنوشت بسیار نزدیک شده اند.

دیدگاه‌های حقوقی

ایران از امضاء کنندگان تعدادی از پیمان‌ها و میثاق‌های مرتبط با رفتار با مجرمان نوجوان است. این پیمان نامه‌ها شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق حقوق کودک و اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام است.

این اصل تثبیت شده حقوق بین‌الملل است که حکومت ملزم به رعایت موافقت‌نامه‌هایی است که دولت‌های پیشین به آن متعهد شده‌اند. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران ملزم به اجرای کلیه تعهدات ایران قبل از انقلاب علیرغم تغییر رژیم است. ایران بدون قید و شرط بر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی صحه گذاشته و دولتهای بعدی ابداً این موضع را تغییر نداده‌اند.

به‌علاوه، اصل اساسی حقوق بین‌الملل "لزوم پای‌بندی به توافق (*Pacta sunt Servanda*)" است. این اصل در ماده ۲۶ کنوانسیون وین تدوین شده و گویای آن که "هر پیمان تنفیذ شده‌ای برای طرف‌های آن الزام‌آور است و باید با ایمان کامل توسط آنها اجرا شود." ایران از امضاء کنندگان اسناد فوق بوده و هست، و بنابراین، باید به تعهدات بین‌المللی خود احترام بگذارد و قوانین داخلی خود را با تعهدات بین‌المللی اش همسو سازد.

اما، در ارتباط با اعلامیه جهانی حقوق بشر، نماینده ایران، آقای رجایی خراسانی، در بیانیه ۷ دسامبر ۱۹۸۴ خود به کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد، موضع کشورش را رسماً چنین اعلام کرد:

در نظر هیأت نمایندگی او، مفهوم حقوق بشر به اعلامیه جهانی حقوق بشر محدود نمی‌شود. بشر دارای منشأ الهی است و منزلت انسانی را نمی‌توان در حد رشته‌ای از هنجارهای غیردینی تنزل داد [...] بعضی مفاهیم که در اعلامیه جهانی حقوق بشر گنجانده شده باید مورد تجدید نظر واقع شود. ایران [هیچ مرجع یا قدرتی را جز مرجعیت و اقتدار خداوند مقتدر و هیچ سنت حقوقی غیر از شریعت اسلامی را به رسمیت نمی‌شناسد [...]] میثاق‌ها، اعلامیه‌ها و قطعنامه‌ها یا تصمیمات سازمانهای بین‌المللی، که با اسلام در تناقض باشند هیچ اعتباری در جمهوری اسلامی ایران ندارند [...] اعلامیه جهانی حقوق بشر، که مبین برداشتی غیردینی از سنت یهودی - مسیحی است، نمی‌تواند برای مسلمین قابل اجرا باشد و منطبق با نظام ارزش‌های مورد تصدیق جمهوری اسلامی ایران نیست؛ بنابراین کشورش در نقض مفاد آن درنگ نخواهد کرد، زیرا باید بین نقض قانون الهی کشور و نقض میثاق‌های غیردینی یکی را انتخاب کند.

این تمایل از سوی مقامات ایرانی به قرار دادن نوع خاص احکام الهی اسلام بالاتر و فراتر از تعهدات بین المللی شان زمان صحه گذاشتن بر میثاق حقوق کودک با وضوح بیشتر نمایان شد. اگرچه در موقع تهیه پیش نویس میثاق مزبور، هیأت نمایندگی ایران به طور فعال مشارکت داشت، اما حق عمل نکردن به مفاد یا آن دسته از مواد میثاق را که عملاً با احکام اسلامی و قوانین بین المللی سازگار نباشد برای خود محفوظ نگه داشت. در جواب این حرکت، کمیته حقوق کودک اظهار داشت "ماهیت کلی و مبهم محافظه کاری عمومی دولت عضو به طور بالقوه بسیاری از شرایط و مفاد میثاق را نفی می کند و نگرانی را در مورد سازگاری با هدف و مقصود میثاق را افزایش می دهد" و با این عبارت نگرانی خود را ابراز داشت.

نکته ای که کمیته مطرح نمود به دو ماده از این میثاق ارتباط خاص دارد. ماده ۳۷ (الف) که می گوید، "مجازات اعدام و یا حبس ابد را بدون امکان آزادی نمی توان در مورد جرائمی به کار برد که کودکان زیر ۱۸ سال مرتکب شده باشند." و ماده ۴۰-۳ که می گوید، "کشورهای عضو در جهت افزایش وضع قوانین، مقررات، مقامات و مؤسساتی که خصوصاً مربوط به کودکان متهم، یا مجرم به نقض قانون کیفری تلاش خواهند کرد و خصوصاً اقدامات ذیل را معمول خواهند داشت". یکی از گزارش های دیده بان حقوق بشر خاطر نشان می سازد که کمیته "ممنوعیت اعدام کودکان را بخشی از قانون مرسوم بین المللی در نظر گرفت، و به این ترتیب مجالی برای محافظه کاری باقی نگذاشت". و باز هم تصریح می کند که این ممنوعیت "در قانون بین الملل و مرسوم به طور مطلق وجود دارد". اما، سوابق حقوق بشر ایران نشان می دهد که همچنان "قانون الزام آور (*jus cogens*)" را ندیده می گیرد و در عوض بعضی از شهروندانی را که "متهم، یا مجرم به نقض قانون کیفری تشخیص داده شده اند" و هنوز به سن هجده سالگی نرسیده و گاهی اوقات حتی زیر سن بلوغ شرعی شریعت هستند، به مجازات مرگ محکوم می کند.

ماده ۶ (۲) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ملزم می کند که در کشورهایی که هنوز مجازات مرگ ملغی نشده، حکم اعدام تنها برای شدیدترین جرائم اعمال گردد. کمیته حقوق بشر اظهار می دارد، "عبارت «شدیدترین جرائم» باید منحصرأً به این معنی خوانده شود که مجازات مرگ باید اقدامی کاملاً استثنایی باشد."

"اقدامات حفاظتی مجازات مرگ (Death Penalty Safeguards)" ایجاب می کند که جرائم قابل تنبیه "نباید فراتر از جرائم عمدی با پیامدهای مرگبار یا سایر نتایج فوق العاده شدید باشد." گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در زمینه اعدام های خارج از آئین دادرسی، شتابزده یا خودسرانه "ملاحظه می کند که اصطلاح [عمدی] باید معادل از پیش اندیشیده تلقی گردد و باید به منزله اقدام سنجیده برای ارتکاب قتل برداشت گردد".

طبق قانون جزای اسلامی ایران مبتنی بر تفسیر از قانون شریعت، مجازات مرگ برای دامنه فوق العاده وسیعی از جرائم قابل اجرا است. قانون مزبور ۵ نوع جرم را تعیین می کند: حدود) جرائم علیه اراده الهی، که

مجازات آن توسط احکام اسلامی تجویز می‌گردد؛ (قصاص) مجادلات شخصی که کیفری مشابه جرم را مجاز می‌شمارد؛ (دیه) غرامت، (تعزیر) جرائمی که مجازات‌های بسته به صلاح‌دید را ایجاب می‌کند که حکومت به کار می‌برد و از احکام اسلامی استخراج نشده است؛ و مجازات‌های بازدارنده، که شامل تنبیهاتی مانند جریمه، و لغو پروانه‌های مرتبط می‌گردد. مجازات مرگ برای بعضی از جرائم حدود و تعزیر و قصاص برای قتل تعیین می‌گردد.

کمیته حقوق بشر اظهار داشته است "قرار دادن مجازات مرگ برای ارتداد، روابط جنسی نامشروع [...] و ارتکاب هم‌جنس‌بازی برای مرتبه سوم [...] با ماده 6 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، که اعمال مجازات اعدام را به شدیدترین جرایم محدود می‌سازد، سازگاری ندارد. به‌علاوه، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در زمینه اعدام‌های خارج از آئین دادرسی، شتابزده یا خودسرانه ملاحظه می‌کند که "مجازات مرگ باید برای جرائمی مانند جرائم اقتصادی جرم‌های مرتبط با مواد مخدر لغو شود". بنابراین، استفاده گسترده از مجازات مرگ با تعهدات بین‌المللی ایران مغایرت دارد.

مقامات ایرانی بعضی از اعدام‌ها را بر این پایه توجیه کرده‌اند که سن کودک در موقع اعدام بیش از هجده سال بوده، یا آن که اعدام‌های مربوط به قتل اعدام محسوب نمی‌شود، بلکه قصاص است که وراثت قربانی قتل حق شخصی دارند که این مجازات (یعنی قصاص) را تنفیذ نمایند زیرا تحت قانون شریعت مجاز است و به عنوان قانونی شخصی و نه دولتی محسوب می‌گردد. اما، در قضایای متعدد، اعدام قبل از رسیدن سن قربانی به هجده سالگی صورت گرفته است.

نوجوانانی که از سال ۱۹۹۰ تا کنون، قبل از رسیدن به ۱۸ سالگی اعدام شده‌اند

نام	سن	تاریخ اعدام
قاسم شیرافکن	۱۷	۱۹۹۰
نام نامعلوم	۱۶	۲۹ سپتامبر ۱۹۹۲
نام نامعلوم	۱۷	۲۹ سپتامبر ۱۹۹۲
نام نامعلوم	۱۷	۲۹ سپتامبر ۱۹۹۲
ابراهیم قربان‌زاده	۱۷	۲۴ اکتبر ۱۹۹۹
جاسم ابراهیمی	۱۷	۱۴ ژانویه ۲۰۰۰

عاطفه رجبی	۱۶	۱۵ اوت ۲۰۰۴
ایمان فرّخی	۱۷	۱۹ ژانویه ۲۰۰۵
نام نامعلوم	۱۷	۲۳ اوت ۲۰۰۵
مجید سگوند	۱۷	۱۳ مه ۲۰۰۶
سعید کامبرزای	۱۷	۲۸ مه ۲۰۰۷
محمد حسن زاده	۱۶ یا ۱۷	۱۰ ژوئن ۲۰۰۸

لایحه‌ای به شکل قانون بررسی جرائم اطفال و نوجوانان، که استفاده از مجازات مرگ را برای جرائم توسط افراد کمتر از هجده ساله ممنوع می‌کند، در سال ۲۰۰۱ به قوه مقننه ایران تسلیم گردید که اولین شور آن سال ۲۰۰۶ برگزار گردید. این لایحه دعوی آن دارد که قانون جزای ایران را به تحقق تعهدات بین‌المللی ایران نزدیک می‌کند، اما هنوز باید به طور کامل تصویب شود که جنبه قانونی به خود بگیرد، در حالی که هشت سال از اولین زمانی که تسلیم مجلس شده می‌گذرد. این تأخیر به شورای نگهبان نسبت داده شده، که باید صحت نهایی را بر مصوبات مجلس بگذارد. شورای مزبور معترض شده است که مفاد آن، بخصوص بند ۳ از ماده ۳۳ که صدور حکم اعدام برای مجرمان کمتر از هجده ساله را ممنوع می‌کند، با قوانین اسلامی مغایرت دارد.

متخصصان این نکته را مطرح می‌کنند که چنین اصلاحی تعدادی از نقائص جدی که اثربخشی آن را در جلوگیری از اعدام کودکان محدود می‌سازد، شامل می‌شود. عفو بین‌الملل نقائص را در پنج زمینه طبقه‌بندی می‌کند: "آشفستگی که کدام دادگاه‌ها دادرسی قضایای نوجوانان را به عهده دارند؛ تشریفات برای توقف اعدام؛ حق استیناف؛ اعطای عفو؛ و تمایز بین قصاص و حکم اعدام".

به علاوه، ممنوعیت قضایی در مورد اعدام نوجوانان در شصت و سومین اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اکتبر ۲۰۰۸ مطرح گردید. اما، در مصاحبه‌ای، حسین ذبحی، معاون دادستان کل کشور ایران، اظهار می‌دارد که هدایت قضایی فقط در قضایای مواد مخدر اعمال می‌گردد و قضات، برخلاف اعلام پیشین که این بخشنامه قضایی شامل جمیع مجرمین زیر هجده ساله، "با هر جرمی" خواهد بود، احکام مربوط به قتل را کاهش نخواهند داد. اگرچه آن را، از لحاظ اجرای قوانینی که قوه قضائیه به احترام گذاشتن به تعهدات بین‌المللی ایران در رابطه با اعدام نوجوانان و اطفال تشویق می‌کند، به عنوان حرکتی در جهت صحیح می‌توان تلقی کرد، اما هیچ توضیحی داده نشده که آیا حکم مزبور باز هم اجازه می‌دهد که افرادی که زیر سن هجده

سالگی به ارتکاب جرمی در رابطه با موادّ مخدّر مجرم شناخته شوند، وقتی سنّ آنها از هجده عبور کرد اعدام شوند یا خیر.

گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در زمینه اعدام‌های خارج از آئین دادرسی، شتابزده یا خودسرانه در بیانیه‌ای به تاریخ مارس ۲۰۰۷ اظهار داشت، "اعدام نوجوانان در ایران کاملاً غیر قابل قبول است. حکومت ایران نمی‌تواند به عدول از تعهدات خود که طبق قانون بین‌المللی دارد ادامه دهد... زمان مقتضی برای ایران فرا رسیده که نشان دهد تعهداتش به قانون بین‌المللی متضمن اقدام واقعی است نه اکتفاء به الفاظ بی‌محتوا.

در تاریخ ۵ مه ۲۰۰۹ آژانس خبری ایران گزارش داد که علیرضا جمشیدی، سخنگوی قوه قضائیه، به روزنامه‌نگاران گفته است که کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس ایران و شورای نگهبان در نظر دارند به موضوع مجرمان زیر هجده سال به طریقی جدید بپردازند، و آنها را منطبق با سن (۷-۱۲ ساله، ۱۲-۱۵ ساله، ۱۵-۱۸ ساله) طبقه‌بندی نمایند، با این هدف که نهایتاً اعدام نوجوانان و اطفال در ایران به کلی ملغی شود. اما، منبع مزبور نیمه رسمی است و زاما کورسن نف، قائم مقام ریاست بخش حقوق اطفال در دیده‌بان حقوق بشر، اظهار داشت که، "اعدام‌های مکرر مجرمان نوجوان در ایران تکذیب‌کننده وعده‌های گذشته این کشور است."

دیدگاه‌های دینی

آمار نشان می‌دهد که از ۱۹۲ کشور دنیا فقط ۵ کشور همچنان به اعدام کودکان ادامه می‌دهند. آنها عبارتند از ایران، عربستان سعودی، سودان، یمن و نیجریه. نظم حکومتی در هر یک از این کشورها مبتنی بر قانون شریعت است. اما، نقطه نظرات و تفسیرهای زیربنای کاربرد این احکام دینی بسیار متفاوت است. برای اهداف این گزارش، دو زمینه قانون شریعت مرتبط با موضوع است: یک، اعدام به عنوان شکلی جزائی از مجازات، و دو، تعریف شریعت از سنّ قانونی مسئولیت.

قانون شریعت مجموعه قوانین اسلامی است که تعالیم "قرآن، سنت (اقدامات فراگیر شده از گذشته)، و حدیث (تعالیم شفاهی) را به عنوان اصول راهنمای حکومت" همراه با رویه قضائی اسلامی توسط رهبری هر شاخه جامعه اسلامی یا امت را ترکیب می‌کند. در قضیه ایران، نظام حکومتی مبتنی بر مکتب شیعه جعفری دوازده امامی است. طبق تفسیر آیت‌الله خمینی از این مکتب، در غیبت امام دوازدهم، رهبر عالی جامعه ولی فقیه است. ولی فقیه حقوقدانی است که به مقام اجتهاد رسیده و رهبری سیاسی را به عهده می‌گیرد. بنابراین، مجموعه قوانین ایران مبتنی بر قوانین اسلامی با تبعیت از ولی فقیه است که هدف اساسی او حصول اطمینان است که احکام و قوانین کشور و تکامل آنها منطبق با موازین اسلامی است. ماده چهار قانون اساسی ایران صریحاً قید می‌کند که،

“کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیره باید بر اساس موازین اسلامی باشد.”

اما، کلیه محققین اسلامی در ایران با تفسیر فعلی ولی فقیه و توضیحات او بر احکام اسلامی موافق نیستند. بعضی به بیان نگرانی‌های خاص خود ادامه می‌دهند، در حالی که دیگران کلّ جمهوری اسلامی را زیر سؤال می‌برند. محققین اسلامی، به میزان فزاینده‌ای، قوانین و سیاست‌های فعلی ایران در رابطه با اعدام کودکان و نوجوانان را نیز که مبتنی بر زمینه‌های مذهبی است، مورد شک و شبهه قرار می‌دهند.

تقاضای پایان بخشیدن به اعدام نوجوانان با احکام شریعت اسلامی منافات ندارد ...
روحانیون طراز اول ایرانی قریب 80 سال پیش اعدام نوجوان در کشور را نهی کردند. شیرین عبادی، برندهٔ جایزهٔ نوبل

مجازات‌های شرعی در ایران به صورت زیر طبقه‌بندی شده است:

جرم شرعی	معنی	مجازات	نمونه
قصاص	جرائم علیه افراد	غرامت مانند جرم معمولاً مجازات‌های جسمی که دولت تعیین می‌کند. اتخاذ تصمیم برای تعقیب، عفو یا قبول دیه (جریمه و خونبها) به عهدهٔ قربانی یا	ماده 209 قانون مجازات اسلامی: هرگاه مرد مسلمانی عمداً "زن" مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است، لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل نصف دیه مرد را به او

		<p>منسوپین او است. مجازات مرگ (غیر قابل عفو به وسیله رهبر عالی و فقط توسط خانواده قربانی)</p>	<p>بپردازد. ماده ۲۱۰ قانون مجازات اسلامی: هرگاه کافر ذمی عمداً "کافر ذمی دیگر را بکشد قصاص میشود اگرچه پیرو دو دین مختلف باشند و اگر مقتول زن ذمی باشد باید ولی او قبل از قصاص نصف دیه مرد ذمی را به قاتل بپردازد.</p>
<p>حدود</p>	<p>جرائم علیه احکام الهی</p>	<p>تجویز شده توسط احکام اسلامی مجاز ات مرگ را نیز شامل میشود هیچ برائت از جرم سنگین تر در ازاء اعتراف به جرم سبک تر</p>	<p>اینها شامل جرائم زیر می شود که جميع آنها، در صورتی که به جرم پیشین محکوم شده باشند، به مجازات مرگ منجر می شود :</p>

		<p>وجود ندارد؛ تقلیل مجازات توسط رهبر عالی نیز وجود ندارد.</p>	<p>زنای محصنه برای مرتبه چهارم، زنا با محارم، تجاوز به عنف، زنا غیرمحصنه، شرب مسکرات برای دفعه سوم، لواط یا ازدواج با هم جنس یا ارتباط جنسی بین مردان بدون آن که دخول صورت گیرد برای دفعه چهارم، هم جنس بازی زنان و زنا غیرمحصنه هر کدام برای دفعه چهارم</p>
<p>تعزیر</p>	<p>جرائم علیه جامعه</p>	<p>جریمه، لغو جواز، تعطیل کردن محلّ کسب، محدودیت</p>	<p>اهانت به پیامبر اسلام و جرائم مرتبط با موادّ مخدّر</p>

	سفر و محرومیت از سایر حقوق (مانند حق کار کردن در حرفه‌ای معین) مجازات مرگ (با امکان عفو) را نیز شامل می‌شود.	
--	---	--

به علت فشار داخلی و بین‌المللی در سالهای اخیر، حکومت ایران تعداد اعدام‌های کودکان تحت احکام حدود و تعزیرات را کاهش داده است. اما، احکام قصاص همچنان رو به افزایش است. نظام قضائی ایران بین قصاص و اعدام به حکم حکومت تفاوت قائل است و مبنای استدلالش این است که قصاص موضوعی خصوصی بین خانواده‌های مرتکب قتل و قربانی است. اگرچه، قرآن کریم مجازات مرگ یا قصاص را به عنوان حق تأمین غرامت تجویز نموده، اما بر قضاوت منصفانه، عدالت، صبر و بردباری، خویشتن‌داری و عفو و گذشت نیز تأکید نموده است. از طریق کاربرد فعلی قصاص در ایران نمی‌توان به چنین موازنه‌ای دست یافت، زیرا ممکن است شخصی برای جرائم کوچک اعدام گردد و با جرائم سنگین آزاد شود. مثلاً، هم‌جنس‌بازان خود به خود اعدام شده‌اند، زیرا در قضیه آنها دیه معنا ندارد. اما، نوجوانانی که در جریان قتل محکوم شده‌اند در بعضی موارد بدین علت آزاد شده‌اند که اعضاء خانواده قربانی دیه را به عنوان روش مرجح تأمین غرامت انتخاب کرده‌اند.

از آنجا که نظام قصاص به اعدام فردی که مجرم شناخته شده، یا در غیر این صورت، به آزادی کامل او منجر می‌شود، نظام مزبور در از بین بردن جرم هیچ کار مشروع و قانونی انجام نمی‌دهد. علاوه بر تأکید بر اهمیت تضمین عدالت، قرآن حیات انسانی را تا بدان حد مقدس و ارزشمند می‌داند که قتل یک انسان را به منزله قتل جمیع عالم انسانی تلقی می‌کند:

كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا
وَمَن أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا (سورة مائده (5) ، آیه ۳۲). مضمون به فارسی: نوشتیم بر

بنی اسرائیل که کسی که کشت نفسی را بدون آن که کشته باشد تنی را یا فسادی کرده باشد در زمین، پس گویا کشته است همه مردمان را و کسی که زنده گردانیدش، پس گویا که زنده گردانیده همه مردمان را (نقل ترجمه از تفسیر صفی).

حضرت محمد نبی ارزش و اهمیت زیادی برای حیات انسان قائل شده است. در نتیجه، بعضی از محققان اسلامی تصریح می‌کنند که در اثر چنین تأکیدی بر زندگی آدمی و صفاتی که قرآن آنها را برجسته نشان داده، گرفتن زندگی انسان به شکل قصاص امکانپذیر نیست. عمادالدین باقی در گزارشی درباره اعدام نوجوانان در ایران چنین می‌نویسد:

هیچیک از انواع احکام مرگ در قوانین قابل اجرای ایران ریشه در قرآن ندارد. تنها یک نوع حکم اعدام است که در قرآن پذیرفته شده و آن قصاص نفس) یا اجرای جزایی همچون جرم ارتکاب شده (است؛ یعنی در قضیه‌ای که شخصی، با نیت قبلی، تصمیم قبلی، نیت پلید و به طور سنجیده و اندیشیده، مرتکب قتل شخص بی‌گناهی می‌شود... خودداری از اعدام یا قصاص مجرم دولت را از اعمال مجازات‌های دیگر منع نمی‌کند. اگر قرآن و استدلال‌های مبتنی بر قوانین اسلامی مربوط به مطالعات پیشین درباره عدم تناقض بین تعلیق قصاص و حکم شریعت باید پذیرفته شود، جلوگیری از قصاص افراد [کمتر از هجده ساله] به وضوح میسر است.

"چگونه است که در اصول بانکداری ما نگاه به قوانین کشوری داریم نه احکام اسلامی، اما وقتی به احکام قطعی، مانند اعدام می‌رسیم، بر اجرای دقیق کلمه به کلمه حکم اسلامی اصرار می‌ورزیم نه قوانین کشوری؟" - "غلامحسین رئیسی، رئیس کمیته حقوق بشر کانون وکلای دادگستری استان فارس

سن مسئولیت

"رهبران، فلاسفه و قانونگذاران مختلف اسلامی، از احکام اسلامی تفاسیر متفاوت بسیاری دارند، که ثابت می‌کند قوانین باید منطبق با زمان حال تغییر یابند - "دکتر محمد سیف‌زاده، وکیل دعاوی و جامعه‌شناس

نقطه نظرات اسلامی درباره موضوع سن بلوغ همچنان متغیر و متفاوت است. اما، اکثریت محققان مسلمان توافق نظر دارند که پسران و دختران بعد از بلوغ جنسی موظفند وظائف مذهبی خود مانند نماز و روزه را انجام دهند. در شریعت، به ادوار گوناگون رشد کودک تا رسیدن به بزرگسالی تلویحاً اشاره شده است:

الف (سن بلوغ دینی، یعنی موظف به نماز خواندن و روزه گرفتن

ب (سن بلوغ جنسی

ج (سن بلوغ فکری

قانون ایران تصریح می‌کند که طبق سن بلوغ جنسی، دختر در نه سالگی) به حساب قمری (و پسر در ۱۵ سالگی) به حساب قمری (به بزرگسالی می‌رسند. علاوه بر تبعیض جنسیتی که فاصله‌ای شش ساله دارد، آنها از این سن از لحاظ کیفری مسئول اعمال خود هستند و در معرض مجازات اعدام برای جرائم مستوجب آن قرار می‌گیرند.

برخی از محققان سفسطه سن بلوغ به عنوان عامل تعیین کننده سن مسئولیت جزائی را مورد بحث و استدلال قرار داده‌اند. آنها چنین عنوان می‌کنند که هیچ‌جا در قرآن به آن اشاره نشده و نمی‌توان از آن برای تعیین سنی که فرد در معرض مجازات اعدام قرار می‌گیرد، استفاده کرد. آنها استدلال می‌کنند که سایر عوامل تعیین کننده، مانند بلوغ فکری، را نیز باید مد نظر قرار داد. باقی مدعی است که تعریف سن بلوغ جنسی مبهم است، و سن بلوغ جنسی برای هر فرد متفاوت است و ممکن است تحت تأثیر عوامل زیست‌شناختی و بیرونی مانند آب و هوا و تغذیه باشد.

اگر سن متعارف بلوغ جنسی در ۹ سالگی برای دختران و ۱۵ سالگی برای پسران باقی بماند، هیچ اشارت تلویحی به بلوغ فکری ندارد. آیت‌الله صانعی در اشاره به حقوق ازدواج می‌گوید که در خصوص دختر "سن نه سالگی به خودی خود به اجازه مقاربت جنسی و داشتن شوهر منجر نمی‌شود؛ محدودیت‌های دیگری نیز وجود دارد و شرط سنی تنها موضوع نیست." آیت‌الله منتظری توضیح می‌دهد که "رشد به معنای قدرت درک نفع و ضرر مالی که شرط رفع حجر در تصرفات مالی است، در اجراء حدود و قصاص شرط نیست ولی رشد عقلی به معنای قدرت تمیز و درک خوبی و بدی و حرمت و وجوب، شرط مسئولیت کیفری می‌باشد".

مجازات تغییرپذیر است

آیت‌الله العظمی عبدالکریم موسوی اردبیلی اظهار می‌دارد، "اسلام می‌گوید اطفالی که مرتکب جرمی می‌شوند، که اگر بزرگسالان مرتکب شوند قابل مجازات است، باید اصلاح گردند. همانطور که در چندین نشریه مربوط به رویه قضایی نوشتیم، اصلاح با مجازات تفاوت دارد. متأسفانه بسیاری از مردم بین این دو تمایزی قائل نمی‌شوند".

علاوه بر تفاوت آراء درباره سن واقعی مسئولیت، بعضی از مقامات اسلامی مانند آیت الله نوری معتقدند که اسلام تغییرپذیری در مجازات را اجازه می‌دهد و او نظر موافق دارد که کاهش محکومیت نوجوانان را "می‌توان عملی ساخت". یکی از متنقدترین شخصیت‌ها و یکی از نویسندگان پیش‌نویس قانون اساسی، یعنی آیت الله مکارم شیرازی، توضیح می‌دهد که "برای محکوم کردن نوجوانان و اطفال، سن رشد باید در نظر گرفته شود؛ در صورتی که ظنی وجود داشت باشد و اگر چنین محکومیتی سبب هتک حیثیت اسلام در سراسر عالم شود، بنا به صلاح‌دید حاکم شرع، می‌توان از شدت حکم کاست".

در واقع قرآن وجه تمایز روشنی بین سن رشد و بلوغ جنسی قائل می‌شود: "و اَبْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ اِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَاِنْ اَنْتُمْ مِنْهُمْ رُشِدًا فادْفَعُوا اِلَيْهِمْ اَمْوَالَهُمْ وَلَا تَاْكُلُوهَا اِسْرَافًا وِ بَدَارًا اِنْ يَكْبُرُوا وَّ مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَّ مَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ . فَاِذَا دَفَعْتُمْ اِلَيْهِمْ اَمْوَالَهُمْ فاشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَّ كَفَىٰ بِاللّٰهِ حَسِيبًا" (سورة النساء (4) ، آیات ۸-۶). مضمون به فارسی: و بیازمایید یتیمان را تا چون برسند [بالغ شوند] به نکاح . پس اگر یافتید از ایشان رشدی پس تسلیم کنید به ایشان مالهایشان را و نخورید آن را از راه اسراف و شتابان؛ این که بزرگ شوند و هر که باشد غنی پس باید درگذرد و هر که باشد فقیر پس باید بخورد به خوبی . پس چون تسلیم کردید به ایشان مالهایشان را پس گواه بگیرید برایشان و کفایت کند خدا محاسب (نقل ترجمه از تفسیر صفی).

ممکن است بدین علت باشد که قانون مدنی ایران، مواد ۲۱۱ و ۱۲۱۴ حاکی از آن است که افراد کمتر از هجده ساله نمی‌توانند بدون ولی دارای اموال باشند. بنا به گفته شیرین عبادی:

یکی از مسائل مربوط به حقوق کودکان این است که در ایران تعریف کودک برای هر موضوعی متفاوت است. مثلاً محمدرضا ترک، که به علت قتل در ۱۶ سالگی اعدام شد، می‌خواست گذرنامه بگیرد که از کشور خارج شود، اما باید رضایت پدرش را کسب می‌کرد. از یک طرف قانون ایران می‌گوید که تا سن ۱۸ سالگی کسی آنقدر به رشد نرسیده که کشور را ترک کند اما وقتی موضوع قوانین مجازات مطرح می‌شود، متأسفانه، قانون می‌گوید که کودک باید مسئول اعمال خود باشد و بنابراین با مجازات مرگ مواجه می‌گردد.

سنّ حائز شرایط شدن	اقدام قانونی
۱۸	خدمت نظام وظیفه
۱۸	گرفتن گذرنامه
۱۸	گواهینامه رانندگی

معاملات اموال غیرمنقول	۱۸
گشایش حساب بانکی	۱۸
تأسیس شرکت	۱۸
انتقال ملک شخصی	۱۸
رای دادن	۱۸
استخدام	۱۸ (بالای ۱۵ مشروط)
ازدواج - پسر	۱۵
ازدواج - دختر	۱۳
مجازات اعدام - پسر	۱۴/۵ (۱۵ سال قمری)
مجازات اعدام - دختر	۸ سال و ۸ ماه (۹ سال قمری)

طبق جدول فوق، سن قانونی تعیین شده برای مسئولیت کیفری، بخصوص در مورد دختران، بسیار پایین تر از سن لازم برای سایر موازین است. سایر کشورهای اسلامی نیز سنین مشابهی را تعیین کرده‌اند، مانند مصر یا اندونزی. اما، مثلاً در اندونزی، "طبق ماده ۲۶ (۲) قانون دادگاه نوجوانان، نوجوانانی که مرتکب جرمی شوند که با کیفر مرگ یا حبس ابد قابل مجازات باشد، حکم آنها تا حداکثر ده سال تقلیل می‌یابد".

اگر شخصی از رشد کافی برخوردار نباشد که مسئولیت رانندگی را بپذیرد مگر آن که به سن هجده سالگی رسیده باشد، چگونه همین شخص را می‌توان مسئول دانست که به طور کامل عواقب تصمیمات یا اقدام جنایی خود را تا حد مواجهه با اعدام درک کند؟

نمونه های مطالعاتی: واقعیت‌های اعدام کودکان در ایران

مجرمان نوجوان، اعم از بی‌گناه و مقصّر، با واقعیت‌های سخت و حادثی در نظام قضائی ایران مواجهند زیرا آنها را همانند زندانیان بزرگسال در نظر گرفته به همان نحو هم با آنها رفتار می‌شود.

هدف از این بخش آن است که بعضی از تجربیات در مراحل گوناگون، از بازداشت گرفته تا اعدام، به طور برجسته اما به اختصار بیان گردد. در این بخش چند مطالعه موردی ارائه شده که بی‌عدالتی‌هایی را که افرادی که در صف اعدامند، یا در گذشته توسط جمهوری اسلامی ایران اعدام شده‌اند، و در سطوح داخلی و بین‌المللی با آن روبرو هستند، به تصویر می‌کشند.

دستگیری

بعد از آن که جرمی واقع شده باشد، معمولاً نوجوانانی که در آن دست داشته‌اند توسط قوای انتظامی دولتی دستگیر می‌شوند. اکثر افراد نوجوانی که در حال حاضر در ایران منتظر اعدامند در دعوای گروهی درگیر شدند. غالباً شخصی که واقعاً مسئول وقوع جرم است به راحتی قابل شناسایی نیست. اما، هرکسی که دستگیر می‌شود برای بازداشت موقت و استنطاق به پاسگاه پلیس منتقل می‌گردد. بازجویی ممکن است ساعتها یا روزها طول بکشد. بازداشت‌هایی که بدین صورت انجام می‌شود با مواد ۳، ۱۱ و ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر منافات دارد. محمد مصطفایی بیان می‌کند که اکثر جرم‌هایی که نوجوانان مرتکب می‌شوند، بدون قصد و اندیشه قبلی و صرفاً به عنوان دفاع شخصی صورت گرفته است:

"وقتی با آنها صحبت می‌کنی، هیچ نشانه‌ای از بزهکاری و تبهکاری در سیمای آنها و اندیشه‌هایشان مشاهده نمی‌کنی. آنها نمی‌توانند این واقعیت را لمس کنند که ممکن است اعدام شوند. آنها رقت‌بار و تأسف انگیزند. بسیاری از کسانی که توسط این افراد به قتل رسیده‌اند بزرگتر و قوی‌تر از آنها بودند. آنها را کشتند چون ترسیده بودند. اظهارات آنها نابودکننده است و گاهی فریبتان می‌دهند که اعتراف کنند. آنها را در دادگاه‌های بزرگسالان حاضر می‌کنند که قضاتش عادت ندارند با نوجوانان سروکار داشته باشند."

بازجویی و محاکمه

برخورداری از وکیل دعاوی مجاز نیست مگر بعد از اتمام بازجویی و پس از آن که متهم در اولین محاکمه رسماً محکوم شده باشد. اگر تأمین مشاور حقوقی به علت محدودیت‌های مالی میسر نباشد، که غالباً چنین است، وکلای تسخیری در اختیار گذاشته می‌شود. اما، در اکثر موارد ثابت شده که این وکلای تسخیری از کفایت و کارآمدی کافی برخوردار نیستند.

وکیل تسخیری بعد از آن که عاطفه ساله رجبی به "اعمال مغایر عفت عمومی" متهم گردید، در اختیار او گذاشته شد. وکیل و قاضی هیچکدام سعی نکردند به سن واقعی عاطفه پی ببرند.

مبتنی بر وضعیت جسمی ظاهر، قاضی حاج رضایی در اسناد قید کرد که او ۲۲ ساله و پرونده را برای تأیید حکم اعدام به دیوان عالی کشور فرستاد. روز ۱۵ اوت ۲۰۰۴ [۲۵ مرداد ۱۳۸۳]، برای این که درس عبرتی برای عموم باشد، در ملا عام در نکا به دار آویخته شد. او فقط شانزده سال داشت. مردی که او با وی ارتباط داشت فقط به تحمل ۹۵ ضربه شلاق محکوم گردید.

در تناقض با ماده ۲۱۹ آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۹ و ماده ۲۲۰ آئین دادرسی کیفری ۱۹۹۹، مجرمان نوجوان توسط قضات متخصص یا دادگاه‌های نوجوانان محاکمه نمی‌شوند. به‌علاوه، اگرچه استیناف تا حدّ معینی مجاز شمرده می‌شود، کسب اجازه برای عرضه اسناد یا شواهد جدید غالباً میسر نیست.

زندانیان نوجوان غالباً از دوران کوتاه محکمه و در نتیجه ناتوانی از عرضه صحیح و مناسب اسناد و شواهد شکایت کرده‌اند. آنها همینطور به قضاتی اشاره داشته‌اند که از حق خود برای حکم کردن در قضیه آنها بر مبنای علم قاضی و نه شواهد قابل اثبات استفاده کرده‌اند. این عناصر ناقض ماده چهارده میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و افزایش احتمال خطا است. این استدلال مطرح شده است که اتکاء به یک قاضی جهت اتخاذ تصمیم در قضیه مجرم نوجوان کافی نیست. حجت‌الاسلام اکبر فیض توصیه می‌کند: "جامعه‌شناس، یک مددکار اجتماعی، یک متخصص امور کودکان و مشاور حقوقی" باید در هر قضیه حضور داشته باشند.

محمد فدایی متهم و محکوم شد که در ۱۷ سالگی، موقعی که سعی می‌کرده گروهی را که در حال دعوا و زد و خورد بودند را متفرق سازد، چاقویی را به نحوی مرگبار به تن مردی فرو کرده است. حکم اولیه اعدام او بعد از فقط یک جلسه دادرسی و بدون مشاور حقوقی کافی صادر گردید. اولین وکیل او دارای مجوز نبود و دو وکیل بعدی اش فقط یک بیانیه دفاعی کتبی در طول محاکمه به دادگاه تقدیم کردند. مسئولین موفق شدند با گذاشتن اثر انگشت او در ذیل کاغذی، که محتوایش به اطلاع محمد نرسیده بود، اعترافی دروغین از او بگیرند.

بازداشت

اگرچه رئیس قوه قضائیه طالب شعبه‌های خاص قضایی برای کودکان و نوجوانان شده، اما الزاماً تسهیلات خاص در اختیار زندانیان گذاشته نمی‌شود. بعضی از آنها در بازداشت‌گاه‌های نوجوانان یا بندهای زندان‌های دولتی نگهداری می‌شوند، در حالی که بسیاری از آنها در سلول‌هایی محبوس می‌شوند که در اختیار مجرمان بزرگسال متهم به انواع و اقسام جرائم قرار دارند. اگرچه شرایط زندان متغیر است اما، بخصوص برای زندانیان نوجوان، غالباً می‌تواند نامطلوب و ناگوار باشد. در نقض ماده 5 اعلامیه جهانی حقوق بشر، گزارشها گویای وقایعی از سوء رفتار و تجاوز جنسی توسط هم‌سلولان و مقامات زندان، بخصوص در زندان‌های بدنامی چون زندان رجایی شهر است.

زندانین غالباً از محدودیت دسترسی به تسهیلات روزمره، ملاقات با خانواده، مکالمات تلفنی و وضعیت نامطلوب بهداشتی و غذایی که به بیماری منجر می‌شود، شاکی هستند. مراقبت‌های پزشکی، حتی در موارد اضطراری، همیشه موجود نیست. تسهیلات زندان که برای زندانیان ایجاد کار و فعالیت نماید از توفیق بیشتری برخوردار است. تحصیل و فعالیت درون زندان به نظر می‌رسد به میزان قابل ملاحظه‌ای به فرایند بازپروری و بازگرداندن افراد به اجتماع مؤثر است. ایران تلاش کرده تسهیلات مناسب را فراهم آورد. اما، علیرغم ماده 224 اجرای قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری هیچ نظامی موجود نیست که تضمین نماید تسهیلات لازم در اختیار نوجوانان گذاشته می‌شود.

"یک شب وحشتناک، بعضی از زندانی‌های سلول من سر و صدا می‌کردند و سراسیمه در دل شب به این سوی و آن سوی می‌دویدند. مأمورین ده نفرشان را محاصره کردند و در یک سلول انداختند. آنقدر به آنها قرص دادند که دیوانه شدند و به یکدیگر حمله کردند. بالاخره به دختری به اسم هانی حمله کردند و آنقدر به او لگد زدند که استخوانهایش خرد شد. بعد با روسری‌اش خفه‌اش کردند و از دوش حمام او را آویختند. صبح روز بعد وقتی از حالت گیجی ناشی از قرص‌ها بیرون آمده بیدار شدند و متوجه شدند که دخترک را کشته‌اند به درکوبیدند که توجه نگهبانان را جلب کنند. بسیاری از آنها همان وقت و همان جا غش کردند". این قسمتی از خاطرات نازنین مهاباد فاتحی است.

شکنجه و ارباب

از آن زمانی که نوجوانی توسط مقامات ایرانی دستگیر می‌شود تا زمان آزادی یا اعدامش، با شرایط غیرانسانی، از جمله شکنجه به عنوان وسیله گرفتن اعتراف، روبرو می‌شوند. زندانیان سابق درباره مقاماتی گزارش می‌دهند که بالاجبار آنها را وادار به خوردن قرص‌های آرامبخش می‌کردند. کسانی که در مقابل این کار مقاومت نمایند با عواقب خشونت‌آمیزی چون کتک خوردن با باتوم برقی، شلاق خوردن و سلول انفرادی و نیز شکنجه‌های روانی روبرو می‌شوند. این اقدامات و اعمال مشابه آن توسط مقامات زندان ایران به وضوح ناقض ماده 7 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است.

علاوه بر درد و رنج‌های زندانیان، مقامات مربوطه به اذیت و آزار خانواده‌ها و حامیان آنها نیز می‌پردازند. آنها رسانه‌ها را تحت کنترل دارند و از تلاش‌هایی که برای مطلع ساختن مردم درباره چنین قضایایی جلوگیری می‌کنند. یکی از محدود روزنامه‌هایی که اعدام‌های نوجوانان را گزارش کرده روزنامه اعتماد ملی است. حتی در چنین حالتی، اعتماد سانسور شد و نهایتاً میترا خلعتبری را، که بی‌عدالتی در قضیه مکوان مولودزاده و سایر موارد را گزارش نموده بود، اخراج کردند.

رضا علی‌نژاد، که قبلاً زندانی و منتظر اعدام بود، بعد از آزادی در تاریخ ۳ دسامبر ۲۰۰۸ این مطلب را بیان کرد که وقتی مقامات زندان به زندانیان اجازه می‌دادند برای گزراندن اوقات خود در حیاط زندان به بازی و ورزش بپردازند یا به ساختن کار دستی مبادرت نمایند، خشونت در میان زندانیان به میزان قابل توجهی کاهش می‌یافت. نمونه‌هایی از کارهای او در زیر مشاهده می‌شود).

رضا حجازی به علت اینکه در ۱۵ سالگی در یک دعوی دسته جمعی چاقویی در بدن مردی فرو کرده بود که منجر به مرگ وی شد، روز ۱۹ اوت ۲۰۰۸ اعدام شد. برادرش در مصاحبه‌ای خبری اظهار داشت، "من، مادرم و پدرم، همه شاهد آن چیزی بودیم که در زندان با برادرم کردند. آنها او را آنقدر کتک زدند که به علت ورم و کبودی کف پاهایش نمی‌توانست راه برود. زیر فشاری که بر او وارد شد، برادرم به جرمی اعتراف کرد که واقعاً مرتکب نشده بود تا به این وسیله بتواند از ادامه شکنجه جلوگیری کند. حالا، بعد از پنج سال، قصد دارند اعدامش کنند و هیچ کاری نمی‌شد انجام داد چون ما پول نداریم."

علاوه بر اعضاء خانواده، مقامات مسئول به اذیت و آزار، احضار و بازداشت وکلای این زندانی ها و مدافعان حقوق بشر می پردازند. روز ۱۴ اکتبر ۲۰۰۷، عمادالدین باقی به اتهام به خطر انداختن امنیت ملی بازداشت شد. اموال او زیر و رو و غارت شد، گذرنامه اش مصادره گشت، گزارش هایش ممنوع شد و مدت پنج سال در حالی که از حملات صرع و یک حمله قلبی رنج می برد هر از گاهی مدتی زندان را تحمل می کرد. در ژوئن ۲۰۰۸، قاضی یکی از شعب دادگاه انقلاب نسرین ستوده را احضار کرد و به او دستور داد مصاحبه هایش با رسانه های بین المللی را متوقف سازد و الا با محکومیت زندان مواجه خواهد شد. در دسامبر ۲۰۰۸، نیروهای امنیتی او را از سفر به ایتالیا جهت دریافت جایزه بازداشتند. در تاریخ ۵ مه ۲۰۰۹، مقامات قضایی محمد مصطفایی را، بعد از تلاش هایش برای توسل به یکی از مقامات قضایی جهت به تعویق انداختن حکم اعدام دو زندانی به نام امیر خالقی و صفر انگوتی، بازداشت و بازجویی نمودند.

ابتدا وکیلی تسخیری در اختیار محمد موسوی قرار گرفت اما مادرش جای او را به نسرین ستوده، متخصص ایرانی امور حقوقی، داد. طولی نکشید که آقای مروی، یکی از مقامات محلی قوه قضائیه در شیراز، با خانم موسوی تماس گرفت و به او دستور داد حکم اعدام پسرش را علنی نکند و قرارداد با وکیلش را نیز فسخ نماید. اما در عوض قول داد که محمد را اعدام نکند زیرا در زمان ارتکاب جرم انتسابی ۱۶ ساله بوده است. مادر درمانده، با اعتماد به این وعده، از خانم ستوده خواست که دفاع از پسرش را تعقیب نکند. او همچنین از سخن گفتن با رسانه ها یا مدافعان حقوق بشر خودداری کرد. روز ۲۲ آوریل ۲۰۰۷ یکی از مقامات مربوطه به او اطلاع داد که، "پسر شما امروز صبح اعدام شد؛ ترتیبات لازم برای تحویل جسدش را بدهید".

اگر فردی به قصاص محکوم شود، اعضاء خانواده قربانی اجازه دارند عدالت را به دست خود اجرا کنند و تصمیم بگیرند که آیا متهم را با دریافت خونبها ببخشند یا تقاضای مجازات مرگ نمایند. چنین انتقال قدرتی به بسیاری بی عدالتی ها و سوء استفاده از قدرت می تواند منجر شود. در قضایای مربوط به خونبها یا دیه، کسانی که از وضعیت اقتصادی مطلوبی برخوردار نیستند چون نمی توانند مبلغ لازم را فراهم آورند، ممکن است اعدام شوند. چندین شکل نابرابری وجود دارد مانند بهای جان زن که نصف مرد است، یا خونبهای لازم برای مسلمان بیش از غیرمسلمان است.

قاچاق مواد مخدر جرم دیگری است که در جمهوری اسلامی ایران با مجازات مرگ روبرو است. بنا به اظهار کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، کودکان فقیر گوریان واقع در استان هرات افغانستان، از جمله یتیمان جنگ، به عنوان وسیله حمل مواد مخدر برای قاچاق شیشه و سایر مواد مخدر از مرز ایران مورد استفاده قرار می گیرند. آنها غالباً دستگیر و به مرگ محکوم می شوند.

طبق قانون مبارزه با موادّ مخدّر، مصوّب ۲۵ اکتبر ۱۹۸۸ شورای تشخیص مصلحت نظام، مجرمین در اولین مرتبه ارتکاب جرم با مجازات مرگ روبرو نخواهند شد. بنا به گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، بیش از ده -دوازده کودک افغانی در زندان‌های ایران محبوسند و ممکن است بعد از رسیدن به سن 18 سالگی اعدام شوند. اگر آنها بخواهند که جسد کودک به افغانستان بازگردانده شود، مقامات ایرانی از خانواده کودک اعدام شده ۳۳۰,۰۰۰ ریال (معادل ۳۰۰ دلار) مطالبه می‌کنند.

بهنود شجاعی در تاریخ ۲ اکتبر ۲۰۰۶، زمانی که هفده ساله بود، به ارتکاب قتل پسری ۱۹ ساله به نام امید در طیّ یک دعوای خیابانی که ده-دوازده پسر دیگر در آن شرکت داشتند محکوم شد. او ادّعا کرد که سعی کرده دعوا را متوقّف سازد و از قطعۀ شیشه‌ای از یک بطری نوشابه در دفاع از خود استفاده کرده است. ابتدا خانواده مقتول مطالبۀ دو میلیون دلار خونبها نمودند. بعد از ماهها مذاکره و سه مرتبه به تعویق انداختن اعدام، دیه تقریباً به مبلغ ۶۲۵,۰۰۰ دلار تنزل پیدا کرد. مادر بزرگ شجاعی، بعد از ابتلای مادرش به دیابت و پدرش به افسردگی، بهنود شجاعی را از ده سالگی پرورش داد. سه تن از شخصیت‌های بسیار برجستۀ صنعت فیلم ایران، عزّت‌الله انتظامی، پرویز پرستویی و کیومرث پوراحمد حساب مشترکی برای کمک به جمع‌آوری پول برای تأمین دیه افتتاح کردند. در اقدامی غیرمترقبه، قوّۀ قضائیه ایران حساب مزبور را مسدود کرد، هنرمندان را احضار و به بازجویی و زندان به اتهام اختلاس تهدید نمود. علیرغم تلاش‌های بین‌المللی، بهنود در صف منتظران اعدام باقی مانده است.

اعدام

ایران، با نقض مادۀ 3 اعلامیه جهانی حقوق بشر، مادۀ 6 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و مادۀ ۳۷ میثاق حقوق کودک، همچنان به اعدام زندانیان ادامه می‌دهد. احکام اعدام به نحوی غیرانسانی با فرو افکندن از ارتفاع کم و اعدام‌های به سبک معلّق نگه داشتن، اجرا می‌شود. این روش‌های خاص، برخلاف فرو افتادن از ارتفاع بالا که سبب شکستن فوری گردن می‌شود، بسیار دردناک است. روز ۳۰ ژانویه ۲۰۰۸، رئیس قوّۀ قضائیه، آیت‌الله شاهرودی، تعلیق اعدام‌های علنی را اعلام کرد. از آن زمان به بعد، اعدام‌ها عموماً درون دیوارهای زندان صورت می‌گیرد که در این حالت صندلی زیر پای زندانی با لگدی افکنده می‌شود و او به طناب آویزان می‌ماند.

طبق رهنمودها و مقرّرات اجرای کار که رئیس قوّۀ قضائیه در سال ۱۹۹۱ تصویب نمود، ۴۸ ساعت قبل از اعدام، باید اطلاعیه خطاب به مخاطبین زیر صادر شود:

پلیس محلی برای حفظ امنیت در موقع اعدام
رئیس زندان برای تضمین اجرای صحیح تشریفات اعدام
طیب معتمد برای محقق ساختن وضعیت سلامت متهم
مقام مذهبی دیانت متهم (اگر از پیروان یکی از ادیان به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی باشد)
منشی دادگاه برای خواندن حکم
وکیل متهم و والدین قربانی
افسراجرائیات قضایی برای هماهنگی جهت مقدمات اجرای حکم

به علاوه، قاضی صادرکننده حکم اعدام باید به محکوم فرصت دیدار با ملاقات کنندگانی را که میل دارد بدهد، البته به مدت زمانی که سبب به تعویق افتادن اجرای حکم نشود. اما، در سه سال گذشته، حداقل 5 نوجوان بدون اطلاعیه قبلی اعدام شده‌اند: بهنام زارع، رضا حجازی، دلارا دارابی، مکوان مولودزاده و محمد موسوی.

قاتل

دلارا دارابی

تاریخ تولد: ۷ مهر ۱۳۶۵

تاریخ و محل اعدام: اول مه ۲۰۰۹، زندان رشت، شهر رشت

اتهام: قتل در نوامبر ۲۰۰۳

پدر دلارا دارابی، بعد از دریافت احضاریه که در آن امکان دست داشتن دلارا را در قتل یکی از منسوبین به نام مهین مطرح می‌شد، چون برایش باورکردنی نبود، در شب همان روزی که قتل اتفاق افتاده بود دلارا را به پلیس تحویل داد. در طی چند روز اول بازجویی‌های او در زندان رشت، او ابتدا به قتل اعتراف کرد زیرا گفته‌های دوست پسرش را باور داشت که چون نوجوان است او را نمی‌توانند محکوم کنند، اما بعداً از موضع خود عدول کرده اعترافاتش را پس گرفت.

عبدالصمد خرّمشاهی، وکیل دلارا، خاطرنشان می‌کند که معاینات پزشکی بدن مهین در کالبدشکافی نشان داد که جنایت توسط یک فرد راست دست انجام شده، در حالی که دلارا چپ دست بود. به علاوه، جثه ریزنقش دلارا نشان دهنده عدم قابلیت و توانایی وی برای ارتکاب چنین عملی بود. علاوه بر آن، حکم نهایی در قضیه او بر مبنای اعترافی صادر شد که از دلارا در صغر سن گرفته شده بود. شرایطی که دلارا در زندان رشت با آن مواجه شد، از جمله

محرومیت و بدرفتاری، او را تحت فشار زیادی قرار داد. علاوه بر از دست دادن وزن، از اضطراب رنج می‌برد و در حالی که تحت مداوا بود، در ژانویه ۲۰۰۷ اقدام به خودکشی کرد. پدرش از آیت‌الله شاهرودی خواهش کرد او را به زندانی در تهران منتقل کنند و ترتیب محاکمه‌ای منصفانه بر مبنای شواهد موجود بدهند. محاکمه‌ای عجولانه و خارج از مقررات، بدون اشاره به شواهدی دالّ بر بی‌گناهی او، روز ۲۷ فوریه ۲۰۰۵ در شعبه ۱۰ دادگاه عمومی رشت صورت گرفت و حکم اعدام صادر شد. دیوان عالی کشور، با توجّه به نقائص پرونده، قضیه را به دادگاه اطفال رشت ارجاع داد. بعد از دو محاکمه دیگر در ژانویه و ژوئن ۲۰۰۶، شعبه ۱۰۷ دادگاه عمومی رشت حکم اعدام علیه او را تأیید نمود و دوست پسرش را نیز به ده سال حبس محکوم کرد. در آوریل ۲۰۰۷، بعد از استیناف و کیلش، شعبه ۷ دیوان عالی کشور رأی را ابرام نمود. اما، رئیس قوه قضائیه به علّت نقائص مربوط به آئین دادرسی در پردازش این قضیه، آن را به دادگاه رشت برگرداند. در یک دوره چهار ساله، وکیلش تقاضا کرد جلسه جدید دادگاه تشکیل شود تا مدارک جدیدی به نفع او ارائه نماید، اما تقاضاهای متعدّد او بدون جواب باقی ماند تا آن که نهایتاً آیت‌الله شاهرودی روز ۱۹ آوریل ۲۰۰۹ دستور داد اجرای حکم مدّت دو ماه به حال تعلیق در آید تا خانواده‌ها در مورد عفو مذاکره نمایند. در حالی که مقامات ایرانی ملزمند 48 ساعت قبل از اجرای حکم اطلاعیه‌ای صادر کنند، والدین دلارا فقط چند ثانیه قبل از به دار آویخته شدن او، از اجرای حکم آگاه شدند.

اعتقاد دینی

مونا محمودنژاد

تاریخ تولّد: ۱۰ سپتامبر ۱۹۶۵

تاریخ و محلّ اعدام: ۱۸ ژوئن ۱۹۸۳، میدان چوگان، شیراز

اتّهام: اعتقاد به دیانت بهائی

بعد از حمله به محلّ اقامت محمودنژاد در تاریخ ۲۳ اکتبر ۱۹۸۲، پنج نفر از سپاه پاسداران مونا را همراه با پدرش دستگیر کردند. او را ابتدا به بازداشتگاه سپاه بردند و سپس به زندان عادل‌آباد منتقل کردند؛ هر دو محل در شیراز واقع است.

در دوران محبوسیت، او با فرایند چهارمرحله‌ای بازجویی مواجه شد: ابتدا، به تنهایی یا در گروه‌های دو یا چند نفره بهائیان، توسط بازجویان نقابدار بازجویی شد؛ سپس توسط معاون

دادستان عمومی در دادگاه انقلاب شیراز بازجویی گردید؛ سپس توسط حاکم شرع محاکمه گردید؛ و بالاخره در استطابه [در لغت به معنی پاکیزه گرداندن - م] قرار داده شد که چهار بار فرصت داشت از عقیده و ایمانش تبری کند یا اعدام را بپذیرد. مونا، موقعی که در زندان بود، با همان میزان معمول فشار و سوء رفتاری روبرو بود که بر اکثر زندانیان وارد می‌آمد، اما، به علت اعتقادات دینی خود، با تبعیضاتی مواجه بود که مبتنی بر تصریح بر این مطلب بود که او به علت بهائی بودنش نجس است. اتهامات اصلی علیه مونا متضمن دفاع از دیانتش در مدرسه، و امتناع از تبری از عقیده‌اش بود. باید توجه داشت که او از حق داشتن وکیل محروم بود و با تهدید به تعزیر (تازیانه خوردن) و سایر شکل‌های شکنجه‌ای روبرو می‌شد که می‌دید سایر زندانیان بهائی از آن در رنج و عذابند. در فوریه ۱۹۸۳، دو مقاله در روزنامه خبر جنوب منتشر شد. یکی از آنها به اعدام قریب‌الوقوع ۲۲ زندانی بهائی اشاره داشت. مقاله دیگر مصاحبه منحصر به فردی با حاکم شرع شیراز، حجت‌الاسلام قضائی بود که علناً به بهائیان هشدار داد که به اسلام روی آورند یا به عنوان مجازات شرکت در فعالیت‌های بهائی مرگ را بپذیرند. علاوه بر کلیه روش‌های اعتراض بین‌المللی، روز ۱۷ مه ۱۹۸۳، ریاست جمهوری امریکا، رونالد ریگان، از طرف محکومین به مرگ تقاضا عفو نمود. در طی چند روز، دو بازجوی نقابدار به مونا گفتند، "حالا که رئیس جمهوری ایالات متحده به دفاع از شما برخاسته و به این ترتیب ثابت شده که شما به راستی جاسوس هستید، آیا باز هم ادعا می‌کنید که نیستید؟" بعد از ملاقات کوتاهی با خانواده در روز قبل از اعدام، مونا محمودنژاد روز ۱۸ ژوئن ۱۹۸۳ در میدان چوگان شیراز به دار آویخته شد.

تمایل جنسی به هم‌جنس

مکوان مولودزاده

تاریخ تولد: ۳۱ مارس ۱۹۸۶

تاریخ و محل اعدام: ۴ دسامبر ۲۰۰۷، کرمانشاه

اتهام: تجاوز جنسی در سن ۱۳ سالگی

بعد از فرمانی که توسط دادستان پاوه در کرمانشاه صادر شد، مکوان روز اول اکتبر ۲۰۰۶، بدون آن که درباره ماهیت اتهاماتش به خانواده‌اش اطلاعی داده شود، دستگیر شد. بعد از آن طولی نکشید که سرش را تراشیدند و سوار الاغ کرده دور شهر گردانند و تحقیرش نمودند. موقعی که

در بازداشت بود، به طور مداوم در دست مقامات بازداشتگاه آنقدر با سوء رفتار مواجه بود که دست به اعتصاب غذا زد و مدت ده روز از خوردن غذا خودداری کرد. مکوان در سن سیزده سالگی به تجاوز جنسی به سه پسر بچه متهم گردید.

علاوه بر محاکمه‌ها در پاره، مکوان در شعبه‌های ۱ و ۷ دادگاه جنایی کرمانشاه نیز محاکمه گردید. در طول جلسات گوناگون، شاکیان به ماهیت کاذب اتهاماتی که علیه او مطرح شده بود شهادت دادند و او مکرراً اتهامات وارده را انکار می‌کرد. قبلاً موقع محبوسیتش، مکوان به اتهامات انتسابی علیه خود اعتراف کرده بود، اما بعداً اظهار داشت که زمانی اعتراف کرده که مقامات مربوطه به دستش دستبند زده و اسلحه‌ای به طرف سرش گرفته بودند. وکیل او بر ماهیت غیرمنصفانه دادخواهی اصرار می‌ورزید. گزارش او و نیز سایر گزارش‌ها حاکی از آن است که قاضی از صدور دستور جهت تحقیقات بیشتر، از جمله معاینات پزشکی قانونی، خودداری نموده و استدلال کرده که جرم انتسابی هفت سال قبل ارتکاب شده است. عفو بین‌الملل خاطر نشان می‌سازد که ماده ۱۲۱۰ قانون جزای ایران تصریح دارد که منطبق با احکام اسلامی پسرها در ۱۵ سال قمری به بلوغ می‌رسند. اگر شخص محکوم به نزدیکی جنسی مقعدی قبل از رسیدن به این سن مرتکب چنین کاری شده باشد، آنها فقط می‌توانند متهم را به ۷۴ ضربه شلاق محکوم کنند. عفو بین‌المللی همچنین اظهار می‌دارد که قاضی، "با فقدان شواهد پزشکی دال بر بلوغ متهم در حین ارتکاب جرم،" مکوان را به عنوان یک بزرگسال محاکمه کرده است. روز ۷ ژوئن ۲۰۰۷، قاضی حکم خود را بر اساس "علم قاضی" صادر کرد و اصرار نمود که این اعمال هنوز ادامه دارد. در حالی که ماده ۱۱۳ قانون مجازات دال بر آن است که، "هرگاه نابالغی نابالغ دیگر را وطی کند تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می‌شوند مگر آن که یکی از آنها با تهدید مجبور شده باشد." مکوان به مرگ به صورت آویخته شدن به دار در پارک شهید کاظمی پاره محکوم شد. روز ۱۹ ژوئیه همان سال دیوان عالی کشور حکم را تأیید کرد. اما، بعد از اعتراضاتی که توسط وکیل مکوان و سازمان‌های حقوق بشر مطرح شد، در نوامبر ۲۰۰۷ آیت‌الله شاهرودی، تعلیق اعدام را بر مبنای حکم رهبر عالی، آیت‌الله خامنه‌ای، صادر نمود و توضیح داد که وطی [رابطه جنسی مقعدی] باید بدون هیچ شک و تردید منطقی ثابت شود. اما، روز ۴ دسامبر ۲۰۰۷ مکوان در حیاط زندان کرمانشاه، بدون هیچ اطلاعیه قبلی به خانواده یا وکیلش به دار آویخته شد.

استنتاج‌ها

همانطور که این گزارش نشان داده، علیرغم بیانیه‌های علنی مقامات ایران در طرح ادّعای خلاف واقع، اعدام افراد نوجوان که قبل از هجده سالگی مرتکب جرمی شده‌اند صورت می‌گیرد. در واقع، از زمان تأسیس جمهوری اسلامی، ایران صدها صغیر را اعدام کرده و از سال ۲۰۰۰ تا کنون ایران بیش از هر کشور دیگر جهان کودکان را اعدام کرده است. هنوز ۱۶۰ پرونده مستند دیگر در مورد کودکان وجود دارد که در ایران منتظر اعدام هستند. بسیاری از آنها به "جرائمی" چون هم‌جنس‌بازی، ارتداد یا اعمال مخالف عفت عمومی متهم شده‌اند که در اکثر کشورهای دیگر جرم محسوب نمی‌شوند.

اکثر افراد نوجوان در ایران تا رسیدن به هجدهمین سالگرد تولدشان اعدام نمی‌شوند؛ اما ۲۵٪ افرادی که از ۱۹۹۰ تا کنون اعدام شده‌اند زیر این سنّ بوده‌اند. با این وصف، ایران ناقض آن دسته از اسناد بین‌المللی است که خودش امضاء کننده آنها است، یعنی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق کودک. این اسناد بخشی از قانون متداول بین‌المللی است. اما قانون مجازات ایران، با تفسیر خاصی از قانون شریعت، سن بزرگسالی و مسئولیت جزائی را در ۹ سال کامل قمری برای دختران و ۱۵ سال کامل قمری برای پسران قرار داده است.

زندانیان نوجوان غالباً از رفتار خشن در نظام قضائی رنج می‌برند. همراه اعترافات اجباری به ضرب شکنجه، فقدان جریان مناسب و وکیل مدافع، بازداشت در زندان‌های کشور با زندانیان بزرگسال و شکنجه روحی ناآگاهی از سرنوشت خویش شامل نه همه بلکه اکثریت زندانیان نوجوان است.

ایران در سطح وسیع و گسترده‌ای، توسط مدافعان حقوق بشر و نیز محققان اسلامی، در داخل و سطوح بین‌المللی، مورد انتقاد و محکومیت قرار گرفته است. از آنجا که سنّ مسئولیت جزائی صریحاً در قرآن تعیین نشده، محققان مختلف اسلامی برای پایان بخشیدن به چنین بی‌رحمی و شقاوتی از "اجتهاد" جهت تدوین تفسیرات خود تمایل نشان داده‌اند تا با شرایط زمان حاضر و جو اجتماعی و سیاسی در ایران مناسب باشند. آنها استدلال میکنند که سن بلوغ جنسی مانند سنّ مسئولیت جزائی نسبت به بلوغ فکری نیز باید در چنین معادله‌ای در نظر گرفته شود همانطور که برای حلّ موضوعات مدنی تغییراتی داده شده است.

در این دهه گذشته شاهد تلاش‌های ایرانیان برای هدایت تفسیر از قانون در جهتی جدید، که به لغو اعدام نوجوانان اشاره دارد، بودیم. یک نمونه عبارت از لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان است که به تصویب مجلس نیز رسیده است. اگر شورای نگهبان آن را بپذیرد، این لایحه محدود از بعضی مجازات‌های حدود

و تعزیر جلوگیری خواهد کرد اما در مورد قصاص، که در حال حاضر ۹۰ درصد اعدام نوجوانان در ایران را تشکیل می‌دهد، نقطه ختami نخواهد گذاشت. تلاش چشمگیر دیگر افزایش کارگاه‌ها، تعلیم و هماهنگی قضات در سراسر کشور است که تصمیمات متّخذة توسط اولیاء حکومت مرکزی در سراسر کشور را به اجرا درآورند.

بنابراین، لازم است که جمهوری اسلامی ایران نه تنها نظام قضایی و جزائی خود را اصلاح کند، بلکه برای کمک به کاهش علل وقوع جرم در میان نوجوانان، هر تلاشی را مبذول دارد. چنین رویکردی مستلزم فرهنگی ذاتاً عاری از خشونت است، که در نظام قضائی فعلی ابدأ وجود ندارد. با کسب الهام از الگوهای عرضه شده در سایر ممالک اسلامی، بازپروری نوجوانان در همان زمان که در بازداشت هستند و اجتماعی کردن مجدد مجرمان باید در اولویت نظام ایران باشد.

جمهوری اسلامی ایران تمایل خود به پایان بخشیدن به اعدام نوجوانان را اعلام کرده است. لفاظی باید اکنون جای خود را به عمل بدهد. اما، اگر ایران به اعدام مجرمان نوجوان، که ناقض تعهداتش در قانون بین‌المللی حقوق بشر است، ادامه دهد، اینگونه رفتارهای نادرست نباید مصون از مجازات باقی بماند.

توصیه‌ها برای خطّ مشی

ایران از جمله دولت‌های عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق کودکان است که اعدام مجرمان کمتر از هجده ساله را ممنوع می‌کند. علاوه بر محکومیت بین‌المللی به وسیله سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و سازمان‌های غیردولتی، در سال ۲۰۰۳ رئیس قوه قضائیه بخشنامه‌ای صادر کرد و طی آن از قضات خواست که از صدور احکام اعدام برای نوجوانان خودداری کنند.

توصیه به جمهوری اسلامی ایران

تخفیف در تمامی احکام اعدام صادره قبل از قانون تحقیق جرائم نوجوانان مصوّب سال 2003 مجلس که بعد از ترمیم به تأیید شورای نگهبان نیز رسیده و جنبه قانونی قابل اجرا یافته است و بدون استثناء، تمامی نوجوانانی را که با مجازات اعدام روبرو هستند، از جمله جرائم مشمول قصاص که 90% موارد فعلی اعدام کودکان را تشکیل می‌دهند، شامل شود. به‌علاوه، لایحه مزبور باید به وضوح حد سنّ برای مسئولیت جنایی را مشخص نماید.

آموزش و تعلیم قضات و حقوقدانان در سراسر ایران برای پیروی از هدایات و فرامین صادره توسط اولیاء حکومت مرکزی.

صدور اجازه برای بازدیدهای اعلام نشده توسط گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در زمینه اعدام‌های خارج از آئین دادرسی، شتابزده و خودسرانه، دیدار از زندان‌های ایران که دارای بندهای ویژه مجرمان نوجوان هستند.

به عنوان اقدامی پیش‌گیرانه، تسهیل فعالیت‌های آموزشی برای جوانان درباره خطرات و پیامدهای استفاده از اسلحه، از جمله چاقو، و ارائه راهکارهای جایگزین برای دفاع از خویشتن به وسیله ابزار حمایتی غیرمربطمانند افشرد فلفل.

در نظر گرفتن کارهای بازپروری و اجتماعی‌سازی مانند سایر کشورهای اسلامی از قبیل مصر، که سنّ مسؤلیت جنایی در آنجا نیز پایین است، اما به نوجوانان اجازه می‌دهد که حداقل تا 18 سالگی در ظلّ حمایت و صیانت نظام‌های دادگاهی نوجوانان باقی بمانند.

مدّ نظر قرار دادن مدل‌های مقررات قانونی مربوط به موارد جنایی عرضه شده توسط سایر کشورهای اسلامی، مانند اندونزی، که حمایت و هدایت شعارهای نظام کیفری نوجوانانند.

اجرای توصیه‌های مذکور در گزارش تفصیلی منتشره توسط سفارت ایران در یونان درباره آخرین تحولات قضایی در رابطه با حقوق نوجوانان و موارد ترمیم قوانین مرتبط (نگاه کنید به ضمیمهٔ ۳).

توصیه به جامعه بین‌المللی

کشورهای اروپایی و سازمان ملل متحد نگرانی واقعی خود را برای موارد نقض حقوق بشر توسط ایران ادامه دهند و خواهان تعلیق فوری کلیه احکام اعدام نوجوانان تا زمان الغاء آنها از طریق اصلاحات حقوقی میسر گردد.

تشویق ایران به تأیید و صحه گذاشتن بر مقاله‌نامهٔ اختیاری الحاقی به کنوانسیون ضد شکنجه، که تأمین‌کننده دیدارهای مستقل بازدارنده از بازداشتگاه‌ها، از جمله موارد تقاضا شده توسط گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امر اعدام‌های فاقد رعایت آئین دادرسی، شتابزده یا خودسرانه است.

تشویق ایران به رعایت تعهدات بین‌المللی در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق کودکان با این تضمین که مجازات اعدام فقط برای شدیدترین جرائم معمول گردد و برای جرائمی که افراد کمتر از هجده ساله مرتکب شده‌اند اجرا نشود.

پارلمان‌هایی که با ایران ارتباط نزدیک دارند با تمهید و همکاری با قوه قضائیه جهت حمایت از کودکان در همه مراحل از دستگیری، بازجویی، محاکمه و محکومیت و در تمهید راهکارهای صدور حکم که سبب بازپروری و بازگشت مجدد کودکان که در تضاد با قانون و جامعه هستند را تحت حمایت و نظارت قرار دهند.

کشورهایی که دارای برنامه‌های قوی بازپروری نوجوانان هستند، مانند آلمان، مقامات قضایی ایران را در برنامه مبادله بین فرهنگی دعوت کنند تا با همتایان خود که مسئول کیفری نوجوانان در کشورهای خود هستند، ملاقات نمایند.

تحریم‌های مؤثر علیه آن دسته از مقامات ایرانی مسئول اعدام کودکان، با صدور حکم ممنوعیت سفر و توقیف اموال شخصی، مد نظر قرار دهند.

توصیه به فعالان سیاسی

ائتلافی از وکلای دعاوی و فعالان حقوق بشر برای کمک به مجرمان نوجوان به وجود آورید.

تهیه پرونده‌های کامپیوتری ردیابی مختص کلیه کودکان ایرانی که با اعدام مواجهند ایجاد کرده و هر پرونده را با تحقیق، اظهارات گواهان و سایر وسایل مستندسازی سیستماتیک پیگیری نمایید.

نگرانی‌های حقوق بشر، از جمله اعدام‌های نوجوانان، را هنگامی که در تماس‌های اقتصادی و فرهنگی با مقامات ایرانی هستید، به طور برجسته مطرح نمایید.

مستند و مستدل سازی، تهیه مقالات و کارهای هنری در ارتباط با موضوع اعدام کودکان و اثرات آن بر افراد، خانواده‌ها و جوامع تهیه نمایید.

گروه‌های پشتیبان در میان والدین نوجوانان منتظر اجرای حکم اعدام تشکیل دهید تا معضلات خود را بهتر مطرح نمایند و توجه دیگران را به این امر مهم جلب کنند.

از نمایندگان کشور خود در سازمان ملل متحد بخواهید ایران را تشویق کنند تا به طور کامل با کل ساختار و روشهای سازمان ملل متحد، بخصوص در رابطه با نزدیک شدن "همایش بازنگری جهانی ۲۰۱۰" همکاری نمایند.

ضمائم

ضمیمه الف: فهرست نوجوانان محکوم به اعدام در ایران

از ژوئن 2009 ، حداقل 160 نوجوان در ایران هرروز منتظر اعدامند . برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد هر قضیه ، به جدول زیر نگاه کنید . مقصود از "سن" ، سن متهم در زمان وقوع جرم است .

دادگاه استیناف	دادگاه بدوی	شهر یا استان	سن	نام
دختر (۴)				
			۱۷	اکرم علی محمد (معروف به ستایش)
	دیوان عالی: ۱۲ شعبه ۱۰۷ دادگاه کیفری خرم آباد: ۱ مه ۲۰۰۶	خرم آباد	۱۶	نازلی بی آتش به جان
		گیلان	۱۳	صغری نجف پور
سپتامبر ۲۰۰۳	دادگاه کیفری تهران	اسلامشهر		سارا
پسر (۱۵۴)				
	شعبه ۱۷ اصفهان	اصفهان	۱۵	عادل
	دیوان عالی ۳۰ شعبه ۷۷ ، دادگاه اطفال تهران	کرج		عباس
			۱۷	عباس حسینی
	شعبه ۲ دادگاه استیناف گلستان :	استان گلستان		عبدالخالق رخشانی

				۱۶ مارس ۲۰۰۶	
۹	ابومسلم سهرابی			شعبه ۳۳ دیوان عالی شعبه ۳ دادگاه فارس فیروزآباد	
۱۰	احمد	۱۷		شعبه ۷۱ دادگاه تهران عمومی تهران	
۱۱	احمد	۱۶		شعبه ۱۱ دادگاه عالی: شعبه ۷۴ دادگاه تهران مارس تهران ۲۰۰۸	
۱۲	احمد جباری	۱۵		شعبه ۲۹ دادگاه عالی: خوزستان قضیه شماره ۷۱۱/۳۹	
۱۳	احمد مرتضویان	۱۵		دادگاه عمومی اصفهان اصفهان: ژانویه ۲۰۰۸	
۱۴	احمد نورزهی	۱۲		دادگاه انقلاب: سیستان بلوچستان ۲۰۰۵	
۱۵	اکو (یا ابو) حسینی			شعبه ۲۷ دادگاه پرونده شماره کردستان عالی ۱۳۲۶؛ ۳ نوامبر ۲۰۰۳	
۱۶	علی	۱۶ یا ۱۷		شعبه ۲۷، ژوئیه پرونده شماره تهران ۲۰۰۲، دادگاه اطفال تهران: آوریل ۲۰۰۲	
۱۷	علی علیجان	۱۷		شعبه ۷۱، دادگاه تهران عمومی تهران	

۱۸	علی امیری (شهروند افغانی)	۱۵	شعبه ۷۴ دادگاه شهریار کیفری تهران: ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷	
۱۹	علی حاتمی	۱۷	تهران ۲۸ اوت ۲۰۰۸	ژانویه ۲۰۰۹
۲۰	علی مهین ترابی	۱۶	شعبه ۲۷، دادگاه کرج، ۳۰ اکتبر کرج عالی: ۸ ژوئن ۲۰۰۳ ۲۰۰۴	
۲۱	علی نورمحمدی	۱۶	شعبه ۲۴ کرمانشاه کرمانشاه	شعبه ۶ دادگاه استیناف کرمانشاه
۲۲	علی (علی نظر) صاحبزاده	۱۷		
۲۳	علیرضا	۱۷	تهران پرونده ۲۱۰۲، ۲۱۰۲، دادگاه اطفال: آوریل ۲۰۰۲	
۲۴	علیرضا موصلی رودی	۱۶	پرونده ت - قم ۸۵-۴۷۸۶، دادگاه کیفری قم	
۲۵	امیر		تهران شعبه ۱۱۵۶ مجتمع قضایی بعثت تهران	
۲۶	امیر امراللهی	۱۶	شیراز شعبه ۵ دادگاه عالی: ۱۰ نوامبر جزایی شیراز ۲۰۰۷	
۲۷	امیر چاله چاله	۱۷		
۲۸	امیر خالقی	۱۶		

۲۹	امیرج		تهران	شعبه ۱۶۰۱ دادگاه کیفری تهران: ۲۲ اکتبر ۲۰۰۰	
۳۰	امیرکریم بهرام	۱۷	مهاباد		
۳۱	اصغر حیدری	۱۷ یا ۱۶			
۳۲	اشکان	۱۶		شعبه ۱۲۲ دادگاه ویژه اطفال، ۲۶ اکتبر ۲۰۰۳	
۳۳	بهادر خالقی	۱۶	کردستان	شعبه ۲۷ دادگاه عالی: ۱۳ مارس عمومی سقز، ۲۱ ژوئن ۲۰۰۵	
۳۴	بهمن سلیمیان	۱۵	اصفهان		
۳۵	بهنود شجاعی	۱۷	تهران	شعبه ۳۳، دیوان شعبه ۷۴، دادگاه عالی: ۳۰ ژوئن عمومی تهران: ۲ اکتبر ۲۰۰۶	۲۰۰۷
۳۶	بنیامین رسولی	۱۶	کرج	دیوان عالی: اکتبر شعبه ۷۴، دادگاه جزایی تهران	۵۲۰۰۵
۳۷	ابراهیم گودرزوند چگینی	۱۷			دیوان عالی: ژوئن ۲۰۰۹
۳۸	فدا		تهران	شعبه ۷۱، دادگاه اطفال تهران: ۵ مارس ۲۰۰۶	
۳۹	فرامرز	۱۶		شعبه ۲۸، دیوان شعبه ۷۱ دادگاه عالی: سپتامبر جزایی تهران: ۲۰۰۶	۲۰۰۷

۴۰	فرهاد		تهران	شعبه ۱۱۵۷، تهران دادگاه کیفری تهران	
۴۱	فرشاد سعیدی	۱۷			
۴۲	فرزاد	۱۵			
۴۳	فضل الرحمان جهراز	۱۶			
۴۴	فیض محمد (تبعه افغانستان)	۱۶	کرج	شعبه ۱۲۲ دادگاه اطفال کرج: سپتامبر ۲۰۰۴	
۴۵	فیض الله سلطانی			دادگاه انقلاب یزد یزد	
۴۶	غلام نبی براهوتی	۱۶		شعبه ۱۰ دادگاه یزد عمومی یزد: پرونده ۲۰۶۷، ۶ فوریه ۲۰۰۳	شعبه ۲۷ دادگاه عالی: پرونده شماره ۸۹
۴۷	حبیب افسر	۱۵		پرونده ۱۱۲۶-۸۳ قم ت، دادگاه کیفری قم	
۴۸	هاجر	۱۶		شعبه ۱۲۲ دادگاه کرج اطفال کرج: ژانویه ۲۰۰۶	
۴۹	حالت				
۵۰	حامد	۱۵			
۵۱	حامد پورحیدری				
۵۲	حمید	۱۷	اصفهان	شعبه ۱۷، دادگاه اصفهان	

				جزائی اصفهان	
۵۳	حمید	۱۷	شهریار	شعبه ۷۱، دادگاه جزایی تهران: اکتبر ۲۰۰۵	
۵۴	حمیدرضا	۱۴	گرگان		
۵۵	حمزه ستانی	۱۷			
۵۶	هانی مؤمنی یساقی		استان گلستان	۹ دادگاه عمومی گرگان، ۲۰ نوامبر ۲۰۰۴	شعبه ۲۶، مارس ۲۰۰۵
۵۷	حسن		تهران	شعبه ۱۱۵۶، مجتمع قضائی بعثت تهران	
۵۸	هدایت نیرومند	۱۴ یا ۱۵			دسامبر ۰۶
۵۹	حجت حیدری	۱۵	شیراز	شعبه ۱۰۹ دادگاه عمومی شیراز	
۶۰	حسین	۱۷	تهران		شعبه ۳۱ دیوان عالی تهران: سپتامبر ۲۰۰۸
۶۱	حسین		تهران	شعبه ۳۷ دادگاه عمومی تهران: اول آوریل ۱۹۹۸	
۶۲	حسین آزاد				
۶۳	حسین حقی	۱۷	تهران	شعبه ۷۴، دادگاه عالی: ۲۵ ژوئن عمومی تهران: ۵ فوریه ۲۰۰۴	شعبه ۳۳ دیوان ۲۰۰۴
۶۴	ایمان نبوی		سمنان		شعبه ۴ پرونده

					۸۵/۴۷۱-۱۵
۶۵	ایمان شیروانی				
۶۶	جواد ج		تهران	شعبه ۱۶۰۲ دادگاه کیفری تهران	
۶۷	جاوید	۱۷			
۶۸	کمال	۱۷	تهران	شعبه ۳۳ دیوان عالی: ۶ اوت عمومی تهران: ۱۲ آوریل ۲۰۰۸	
۶۹	خدامراد شاهمزاده	۱۷	سیستان بلوچستان		
۷۰	خسرو	۱۶	تهران	شعبه ۷۴ دادگاه عمومی تهران: نوامبر ۲۰۰۷	
۷۱	محمود	۱۷			
۷۲	مجید افشاری		تهران	دیوان عالی: مه شعبه ۱۶۰۳ دادگاه کیفری تهران ۱۹۹۹	
۷۳	مسعود کفشیر	۱۷			
۷۴	مهدی	۱۶	تهران	دیوان عالی: ۳۰ شعبه ۷۱ دادگاه اطفال تهران: ۵ مارس ۲۰۰۶	
۷۵	مهدی عظیمی				
۷۶	مهدی بختیاری		تهران	شعبه ۲۷، دیوان عالی: نوامبر ۲۰۰۴ اطفال تهران	

۷۷	مهدی قندعلی		سمنان	شعبه ۴، ۱۶ ژوئن دادگاه جزائی سمنان ۲۰۰۶
۷۸	مهدی پوران	۱۷	تبریز	۲۰ ژوئیه ۲۰۰۸، تبریز شعبه دوم دادگاه جزائی تبریز
۷۹	مهدی مزروعی			
۸۰	مهدی ریاحی			
۸۱	مهران	۱۷	کرج	دیوان عالی: ۳۰ شعبه ۷۷ دادگاه اطفال تهران مه ۲۰۰۶
۸۲	مهیار	۱۷	تهران	شعبه ۲۱۰۶ دادگاه اطفال تهران
۸۳	مهیار انوری	۱۷	گلستان	شعبه ۳ یا ۶ دادگاه عمومی خرم آباد: ۱۳ ژوئن ۲۰۰۴
۸۴	مهیار حقگو	۱۷	رشت	دیوان عالی: ۲۲ شعبه ۱۰۲ دادگاه جزایی رشت سپتامبر ۲۰۰۸
۸۵	مهیار زمانی	۱۶	گیلان	شعبه ۱۰۲ دادگاه اطفال رشت
۸۶	میلاد بختیاری	۱۶ یا ۱۷		پرونده ۲۱۰۶ دادگاه اطفال تهران: اوت ۲۰۰۲
۸۷	محمد (معروف به سیف الله)		تهران	شعبه ۷۱ دادگاه اطفال تهران: ۲۳ ژانویه ۲۰۰۶

۸۸	محمد احمدی	۱۶	قزوین		
۸۹	محمد فدائی	۱۷	کرج	شعبه ۷۱ دادگاه کیفری تهران: ۱۲ مارس ۲۰۰۵	
۹۰	محمد قوس	۱۷	خراسان	دادگاه در مشهد	
۹۱	محمد جاهدی	۱۶	فسا	شعبه ۴ دادگاه عمومی فسا: ۲۵ دسامبر ۲۰۰۳	شعبه ۲۷ دیوان عالی
۹۲	محمد جمالی پاقلعه	۱۵			
۹۳	محمد م		شیراز	دادگاه کیفری شیراز: ۲۰۰۴	دیوان عالی
۹۴	محمد ماوری	۱۶	استان گلستان	شعبه ۴۰، پرونده شعبه ۲ دادگاه عمومی کردکوی: ۲۸/۴۰ ۱۸ اوت ۲۰۰۰	
۹۵	محمد رسولی				
۹۶	محمد رضا		تهران	پرونده 1602 دادگاه کیفری تهران	شعبه 33 ، 30 سپتامبر 2002
۹۷	محمد رضا حدادی	۱۶	شیراز		شعبه 42 دیوان عالی
۹۸	محمد شاه قادری		تهران	شعبه ۱۶۰۸ دادگاه کیفری: ژوئن ۱۹۹۹	

۹۹	مجتبی	۱۷	تهران	پرونده ۱۱۸۸ دادگاه اطفال تهران: اوت ۲۰۰۳	
۱۰۰	مرتضی	۱۷	تهران	شعبه ۷۴ دادگاه کیفری تهران	
۱۰۱	مرتضی فیضی	۱۶ یا ۱۷			
۱۰۲	مصلح زمانی	۱۷		شعبه ۲۷ دیوان عالی: ژوئیه ۲۰۰۷	
۱۰۳	مصطفی	۱۶	تهران	شعبه ۷۴ دادگاه کیفری تهران: ۲۰۰۵	شعبه ۳۳ دیوان عالی: اوت ۲۰۰۵
۱۰۴	مصطفی نقدی	۱۵			
۱۰۵	مصطفی سعیدی		استان مرکزی	دادگاه عمومی و انقلاب ساوه	شعبه ۴۲ دیوان عالی
۱۰۶	ناشناس				
۱۰۷	ناشناس				
۱۰۸	نبوت بابایی	۱۷			۲۰۰۶
۱۰۹	نعیم کلبعلی	۱۵	سیستان بلوچستان	شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری زاهدان	
۱۱۰	ناصر قاسمی	۱۵	کرمانشاه	شعبه ۳۳ دادگاه عمومی کرمانشاه	شعبه ۳۷ دیوان عالی
۱۱۱	نعمت	۱۶ یا ۱۷	اصفهان	شعبه ۱۰۶	دیوان عالی: ۱ مه شعبه

				دادگاه کیفری اصفهان	۲۰۰۶
۱۱۲	نعمت صفوی	۱۶	اردبیل	دادگاه اردبیل	
۱۱۳	نصرت	۱۵			
۱۱۴	قمرالدین الکوزه‌ای	۱۷		شعبه ۱۰۱ دادگاه یزد عمومی تفت: ۱۲ ژانویه ۲۰۰۳	شعبه ۲۶ دیوان عالی
۱۱۵	امید سارانی	۱۷		شعبه ۱۰۲ دادگاه سیستان کیفری زاهدان بلوچستان	
۱۱۶	رحیم احمدی	۱۶		شعبه ۵ دادگاه فارس جزائی فارس: ۲۰ ژانویه ۲۰۰۷	شعبه ۳۷، دیوان عالی
۱۱۷	رامدار	۱۷		پرونده ۱۲ شیراز: شیراز ژوئن ۲۰۰۴	
۱۱۸	رامین گلشنی			تهران تهران: نوامبر ۱۹۹۷	دیوان عالی: ژوئن دادگاه کیفری تهران ۱۹۹۸
۱۱۹	رسول ایوتوندی	۱۷			دیوان عالی
۱۲۰	رسول محمدی	۱۷	اصفهان		دیوان عالی
۱۲۱	رسول نوربانی		همدان	دادگاه جزایی همدان	
۱۲۲	رسول صفری	۱۷	گیلان غرب	شعبه ۱ دادگاه عمومی گیلان غرب	شعبه ۳۳ دیوان عالی نقص در پرونده یافت معلوم نیست

متعاقباً چه رخ داد.					
۱۲۳	رضا	۱۶	تهران	پرونده ۱۱۵۷، دادگاه کیفری تهران: ژوئن ۲۰۰۳	
۱۲۴	رضا		اسلامشهر		اکتبر ۲۰۰۳
۱۲۵	رضا	۱۵	شیراز	شعبه ۲ دادگاه عمومی استان فارس: سپتامبر ۲۰۰۷	
۱۲۶	رضا حاجی زاده	۱۳	کرج		
۱۲۷	رضا پاداشی	۱۶	تهران	شعبه ۳۷ دیوان شعبه ۷۱ دادگاه تهران عالی: ۳ سپتامبر جزایی تهران: ۲۰ فوریه ۲۰۰۵	
۱۲۸	صابر شریتی				
۱۲۹	صادق احمدپور		چهارمحال	شعبه ۱۰۴ دادگاه عمومی بختیاری شهرکرد	شعبه ۲۷ دیوان عالی: ژوئیه ۲۰۰۶
۱۳۰	سعید عرب		استان گلستان	دادگاه عمومی و انقلاب گرگان	شعبه ۳ دادگاه کیفری گرگان: ۱۸ ژوئیه ۲۰۰۶
۱۳۱	صفر انگوتی	۱۷	تهران	شعبه ۷۱ دادگاه عمومی تهران	
۱۳۲	صفر علی		تهران	شعبه ۱۱۵۶ مجتمع قضائی	

				بعثت تهران	
۱۳۳	سجاد	۱۷			
۱۳۴	صلاح تاسب	۱۵	سنندج		
۱۳۵	سلیمان اکبری	۱۷	اردبیل	پرونده ۷/۸۷۲۸-۲ دادگاه عمومی ارشاق، ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۳	
۱۳۶	سیاوش شیرنژاد		لرستان	شعبه ۱۰۷ دادگاه کیفری خرم‌آباد: ۹ مه ۲۰۰۶	
۱۳۷	وحید	۱۶	تهران	شعبه ۷۱ دادگاه اطفال تهران: ۶ نوامبر ۲۰۰۴	
۱۳۸	وحید لطیفی				
۱۳۹	(سید) وحید موسوی	۱۷			
۱۴۰	ظهير	۱۵	تهران	پرونده شماره ۷۷، دادگاه اطفال تهران: ۲۰۰۴	
۱۴۱	زلفعلی حمزه		استان مرکزی	شعبه ۲ دادگاه عمومی ساوه	
۱۴۲	ناشناس	۱۷		دیوان عالی: ۲۰ ژوئن ۲۰۰۴	ژوئن ۲۰۰۶
۱۴۳	ناشناس		کرمان	شعبه ۱۰۱	دیوان عالی

				دادگاه کرمان	
۱۶۰ تا ۱۴۴	حدّ اقل ۱۶ تن دیگر از اتباع افغان		خراسان		

این فهرست توسط سازمان توقّف اعدام کودکان (SCE) با همکاری "عفو بین الملل" و اطلاعات و داده‌ها از منابع زیر تهیه شده است:

اعضاء خانواده‌های مجرمان نوجوان، عمادالدین باقی، رسانه‌های ایرانی، محمد مصطفایی و سایر وکلا، حقوق بشر ایران، دیده‌بان حقوق بشر و سایر منابع و فعالان حقوق بشر.

ضمیمه ب

کودکان منتظر اعدام (ژوئن ۲۰۰۹)

کودکان اعدام شده از سال ۲۰۰۴ تا کنون

کشور / سال	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	ژوئن ۲۰۰۹	جمع
ایران	۳	۸	۴	۱۰	۸	۳	۳۶
عربستان						۲	۲
سودان		۲					۲
پاکستان			۱				۱
چین	۱						۱
جمع	۴	۱۰	۵	۱۰	۸	۵	۴۲

ضمیمه ج

اسناد تکمیلی برای مطالعات بیشتر:

گزارش تفصیلی درباره آخرین تحولات قضائی در ارتباط با حقوق زنان، کودکان و نوجوانان و ترمیم قوانین مرتبط :

<http://www.iranembassy.gr/eng/files/TheLatestJudicialDevelopments.pdf>

هیأت نمایندگی دائمی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد، تعهدات داوطلبانه ایران، صفحات 1 و 2:

<http://www.un.org/ga/60/elect/htc/iran.pdf>

شصت و سومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد: گزارشی دبیرکل درباره وضعیت حقوق بشر در جمهوری

اسلامی ایران، بخش IV D : <http://www.unhcr.org/refworld/docid/490032342.html>

بیانیه رئیس از طرف اتحادیه اروپا:

http://www.diplomatie.gouv.fr/en/article_imprim.php3?d_article=11666

بیانیه حقوقدانان، وکلا و فعالیت اجتماعی و اقتصادی در مخالفت با اعدام نوجوانان:

http://humanrights-ir.org/php/view_enphp?objnr=244

مرکز مدافعان حقوق بشر فراخوان جهت مبادرت به عمل:

http://www.humanrights-ir.org/php/view_en.php?objnr=244

سازمان ملل متحد به ایران توصیه می کند مجازات مرگ را بر نوجوانان تحمیل نکند:

<http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=27894&Cr=iran&CrI>

سازمان ملل متحد به ایران توصیه می کند اعدام مجرمان نوجوان را ممنوع سازد: گروه‌هایی از ۸۲ کشور طالب

اصلاحات فوری هستند:

<http://www.htw.org/es/news/2008/10/14/un-urged-ban-executions-juvenile-offenders>

۲۴ سازمان بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر از اولیاء حکومت ایران تقاضا کردند تحمیل مجازات مرگ برای

جرائم ارتكابی توسط مجرمان نوجوان را متوقف سازد:

<http://www.unhcr.org/refworld/publisher,HRW,,IRN,487de26bc,0.html>

گزارش عفو بین‌الملل: "آخرین اعدام کننده کودکان:"

<http://www.amnestyorg/en/library/info/MDE13/059/2007>

گزارش دیده‌بان حقوق بشر "آخرین امتناع کنندگان: پایان بخشیدن به مجازات اعدام نوجوانان در ایران، عربستان

سعودی، سودان، پاکستان، و یمن:"

<http://www.htw.org/en/reports/2008/09/10/last-holdouts-0>

گزارش فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر (FIDH) ایران/مجازات مرگ: سیاست دولتی وحشت "؟

http://www.fidh.org/IMG/pdf/Rapport_Iran_final.pdf

موضوع اعدام افراد صغیر در ایران، اثر عمادالدین باقی:

<http://www.emadbaghi.com/en/archives/000924.php?>

منابع مطالعه بیشتر درباره دلایل پزشکی علیه اعدام کودکان:

<http://physiciansforhumanrights.org/juvenilejustice/factsheets/braindev.pdf>

<http://amnesty.org/en/library/info/POL30/034/2004>

پیوند به سایر سایت‌هایی که درباره اعدام کودکان گزارش می‌دهند در سایت زیر موجود است:

<http://www.stopchildexecutions.com/othersites.aspx>

یادداشت‌ها

مرکز سیاست خارجی

مرکز سیاست خارجی (www.fpc.org.uk) برجسته‌ترین مجمع محققان مترقی انگلستان دربارهٔ امور خارجی است. هدف این مرکز، که در سال 1998 توسط عالیجناب رایین کوک عضو پارلمان، که آن زمان وزیر امور خارجه انگلستان بود، با عالیجناب تونی بلر به عنوان حامی آن، تأسیس گردید، تزریق تفکر تازه به مذاکره و تحلیل سیاست خارجی از طریق ارائه ایده‌های ابتکاری و عملی خط مشی است که راه‌حلی برای مشکلات جهانی ترویج دهد. اگرچه مرکز مزبور با ریشه‌هایی در احزاب چپ و میانه تأسیس شده، اما با نمایندگان کلیه احزاب عمدهٔ سیاسی انگلستان و سیاست گسترده تر، جامعهٔ مدنی، جوامع علمی و تجاری کار می‌کند. مرکز مزبور دارای سه رئیس مشترک است: بارونس مارگرت جی، مایکل گوو نماینده مجلس و عالیجناب چارلز کندی نماینده مجلس به نمایندگی از هر حزب عمده.

این مرکز جزوات، گزارش‌ها، اطلاعات توجیهی، مقالات و وبلاگ‌ها دربارهٔ رشته‌ای از موضوعات مهم بین‌المللی تولید می‌کند؛ سمینارهایی مرتب و ست‌مینستر و سایر جلسات شامل کنفرانس‌ها و میزگردهای متخصصان برگزار می‌نماید. مرکز سیاست خارجی موضوعات گستردهٔ وسیعی از زمینه‌های سیاست کلیدی شامل کار با نگاهی به حقوق بشر و نحوه حکومت در خاورمیانه، قفقاز و آسیای مرکزی؛ برنامهٔ ما برای مردم‌سالاری و توسعه که بر افریقای جنوب صحرا متمرکز است؛ برنامهٔ اتحادیه اروپا که نگاهی به موضوعاتی از قبیل رابطهٔ انگلیس با اتحادیه اروپا، توسعه، سیاست همسایگی اروپایی و بازار واحد را تحت پوشش دارد. علاوه بر آن مرکز مزبور به تعدادی از معضلات بنیادی از قبیل امنیت بین‌المللی، تغییر آب و هوا، امنیت انرژی و تجارت می‌پردازد. وزیر امور خارجه دیوید میلیبند در سال ۲۰۰۸ اظهار داشت، "مرکز سیاست خارجی در گرد هم آوردن افراد مختلف، تقویت این دیدگاه که انگلستان کانون جهانی برای مناظره و ایده‌هایی دربارهٔ نحوه اداره کره زمین مشترکمان به نوعی که از لحاظ اجتماعی مسئولانه باشد، رویکردی متمایز دارد".

سازمان توقف اعدام‌های کودکان

در سال ۲۰۰۶، نازنین افشین جم، از افراد مشهور کانادایی ایرانی‌تبار، نامه‌ای دربارهٔ نازنین مهاباد فاتحی، نوجوان کرد ایرانی دریافت کرد؛ نازنین مهاباد فاتحی به علت دفاع از خود و خواهرزاده‌اش در مقابل سه نفر که قصد تجاوز به آنها را داشتند، در خطر اعدام بود. افشین جم درخواستی را تنظیم کرد که ۳۵۰,۰۰۰ نفر آن

را امضاء کردند و کمیته بین‌المللی را برای نجات جان فاتحی به وجود آورد. فشار بین‌المللی باعث شد که متعاقباً فاتحی مجدداً محاکمه شود. در نتیجه در تاریخ ژانویه ۲۰۰۷ او از اتهام قتل تبرئه و از زندان آزاد شد. بعد از آن طولی نکشید که نازنین افشین جم و دیوید اعتباری مشترکاً سازمان توقف اعدام‌های کودکان (SCE) را تأسیس کردند تا تقاضای سایر نوجوانانی را که در معرض مجازات اعدام هستند جوابگو باشند.

سازمان توقف اعدام کودکان (SCE) منبع پیشرو اطلاعات درباره افراد صغیر منتظر اعدام در ایران است. این سازمان غیرانتفاعی و معاف از مالیات است که تماماً توسط افراد داوطلب اداره می‌شود. این سازمان شامل یک گروه مستقل و غیرسیاسی حقوق بشر است که هدفش پایان بخشیدن همیشگی به اعدام کودکان است.

این سازمان از اعدام ۸ نوجوان در سال ۲۰۰۸ و بیش از ۱۶۰ کودک دیگر که در ایران منتظر اجرای حکم هستند، علیرغم تعهدات آن کشور در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق کودک، که ایران از دول عضو آن است، گزارش مستندی تهیه کرده است.

سازمان توقف اعدام کودکان (SCE) با حکومت‌ها در حال مذاکره است و سیاستمداران و شهروندان را تشویق می‌کند که بر کشورهای خاطی فشار آورند که اعدام نوجوانان را خاتمه بخشیده و ممنوع سازند. این سازمان به عنوان رابط بین خانواده‌ها و وکلای حقوق بشر عمل می‌کند و نیز اطلاعات حاصله از ایران را به سازمان ملل متحد و گروه‌های حقوق بشر، از جمله عفو بین‌الملل می‌رساند.

سازمان مزبور به جمع آوری طومارهای بزرگ مبادرت نموده، راه‌پیمایی‌ها سازمان داده، مجموعه‌های مستند تهیه کرده، در کنفرانس‌های عمده حقوق بشر شرکت کرده، در پارلمان‌های مختلف به بیان سخنرانی پرداخته و در روزنامه‌ها، مجلات و برنامه‌های عمده خبری تلویزیونی و رادیویی در سراسر جهان مشارکت کرده است.

مترجم: در توضیح عدالت ترمیمی آمده است: افزایش آگاهی عمومی، تبیین عواقب سوء بزه در جامعه، تأکید بر کرامت و ارزش ذاتی انسان، تقویت آموزه‌های اخلاقی و دینی، موجب تقویت فرهنگ جامعه خواهد شد، در این صورت فرایندهای ترمیمی جایگزین یا مکمل مناسبی برای فرایندهای کیفری خواهد بود.

دکتر عباس شیری می‌گوید: واژه عدالت ترمیمی برای توصیف و تبیین پدیده‌ای به کار می‌رود که دارای محتوایی وسیع و چندجانبه است، لذا ارائه تعریف عدالت ترمیمی کار ساده‌ای نیست و تاکنون نیز کسی تعریف جامعی از آن ارائه نکرده است. این مدرس حقوق دانشگاه تهران، در رابطه با عناصر عدالت ترمیمی اعتقاد دارد: عدالت ترمیمی به دنبال ترمیم روابط آسیب دیده، بزه دیده، بزه‌کار و جامعه است. لذا باید قطعات و عناصری در کنار یکدیگر قرار گیرند که سازنده یک مدل ترمیمی باشند. این عناصر در تقابل عناصر عدالت به جای تکیه بر اجباری بودن بر داوطلبانه و ارادی بودن، تأکید می‌کند. در تقابل با دشمنی، کتمان حقیقت،

تحمیلی بودن، علنی بودن، نادیده گرفتن و... ، عناصر اظهار حقیقت، رودرویی، توافق، حمایت و غیر علنی بودن را مطرح می سازد. وی داوطلبانه بودن، اظهار حقیقت، رودرویی، توافق، حمایت و محرمانه بودن را از زمره عناصر عدالت ترمیمی می داند

<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=1311981>)

مترجم: متن کامل فارسی کنوانسیون حقوق کودک و مقاله نامه) پروتوکل (اختیار حقوق کودک را می توان به ترتیب در نشانی های زیر یافت :

<http://zanan.isfedu.com/Default.aspx?tabid=161>

http://cds-iran.ir/index.php?option=com_content&task=view&id=711

به کنید نگاه: HYPERLINK "http://laws.irbar.com/content/view/2036/246/6"

<http://laws.irbar.com/content/view/2036/246/>

2005 مارس 31 مورخ 254 Add.C/15/CRC * MERGEFORMAT "Symbol" FILLIN: به کنید نگاه